



نشریه فرهنگی - تربیتی مدرسه علمیه معصومیه شیراز
شفیعه / شماره ۵ / بهار ۱۴۰۰

کیمیای قدر

ما را برای عشق به شما
آفریده اند

قاب معصومیه

اوج پرواز



سلامت
آشپزخانه

مسابقه کتابخوانی

زندگی متعالی
در شعور عالی

معصومیه شیراز
پنیرش مدرسه علمیه

به کمیل رای می دهید یا به مالک؟

شهر رمضان لایزال از رفیع



بسم الله الرحمن الرحيم

ماه رمضان در هر سال ، قطعه ای از بهشت است که خدا در جهنم سوزان دنیای مادی ما، آن را وارد میکند و به ما فرصت میدهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه، وارد بهشت کنیم. بعضی همان سی روز را وارد بهشت میشوند. بعضی به برکت آن سی روز، همه سال را و بعضی همه عمر را. بعضی هم از کنار آن، غافل عبور میکنند که مایه تأسف و خسران است. حالا برای خودشان که هیچ، هر کس که ببیند این موجود انسانی، با این همه استعداد و توانایی عروج و تکامل، از چنین سفره با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسف شود. این ماه رمضان است. ماه ضیافت الله است. ماه ليلة القدر است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی
به مناسبت فرارسیدن ماه مبارك
رمضان ، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷



صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه معصومیه شیراز

مدیر مسئول: کبری بیگی

سر دبیر: زهرا هاشمی آزاد

طراح و ویراستار: سیده آسیه بلادی

تصویرگر: زهرا جعفری زاده

هیئت تحریریه:

سیده زینب موسوی نژاد ، کبری بیگی

زهرا هاشمی آزاد ، مریم نماینده

سیده آسیه بلادی ، مریم پرونده ، زینب اکبری

فاطمه وفا پور ، سمیه ابراهیمی فرد

سیده زهرا رضایی ، معصومه استقلال

مریم دشتی زاده ، فهیمه رجب پور

با تشکر از خانم دکتر سمیه آهنگران

- ۴ ماه رمضان، آغاز سال تربیتی است.....
- ۶ رمضان المبارک در آئینه انقلاب جمهوری اسلامی ایران.....
- ۹ فواید روزه گرفتن از منظر ادیان و دانشمندان غربی.....
- ۱۰ ما را برای عشق به شما آفریده اند
- ۱۴ احادیثی در اهمیت تلاوت قرآن کریم
- ۱۶ آشپزخانه سلامت
- ۱۸ زمزمه سحر
- ۲۰ طلبه بانو.....
- ۲۲ کیمیای قدر.....
- ۲۴ اوج پرواز
- ۲۶ آثار روزه داری.....
- ۲۸ ماه رمضان ایرانی‌ها در زمان قاجار.....
- ۳۰ زندگی متعالی در شعور عالی
- ۳۲ به کمیل رای می دهید یا به مالک؟.....
- ۳۳ بصیرت
- ۳۴ تولید، پشتیبانی ها و مانع زدایی ها.....
- ۳۶ مسابقه کتابخوانی
- ۳۸ قاب معصومیه.....
- ۴۰ انتباه

ماه رمضان، آغاز سال تربیتر است

زنده ماندند تا رمضان را درک کنند.
ماه رمضان، ماه با عظمتی است. همه ی کتاب های آسمانی در ماه رمضان نازل شده اند. درباره ی قرآن همه می- دانیم چون مشهور است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ». (۲)
پیامبر (ص) فرمودند: «همه ی کتاب های آسمانی در ماه رمضان نازل شده اند. تورات، ششم ماه رمضان بر حضرت موسی (ع) نازل شد. دوازدهم ماه رمضان انجیل بر حضرت عیسی (ع) نازل شد، هیجدهم ماه رمضان زبور بر حضرت داود (ع) نازل شد و بیست و سوم رمضان نزول قرآن صورت گرفت.» (۳)

غل و زنجیر شدن شیطان در این ماه

در ماه مبارک رمضان یک چیز باز می شود و یک چیز بسته می شود. در رحمت خداوند باز می شود و

ما در تقویم مان، سال های مختلفی داریم: سال شمسی، سال قمری و سال خُمسی. سال شمسی با بهار و طبیعت آغاز می شود؛ سال قمری با محرم آغاز می شود؛ سال میلادی در ایام ویژه ی خودش در زمستان - برای مسیحی ها و کسانی که این سال را قائلند - آغاز می شود و سال خمسی هر کس سال درآمدش است. حال خوب است بدانیم که آغاز سال تربیتی، چگونه ماهی است.

عظمت ماه رمضان

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «اگر بنده ارزش ماه رمضان را می دانست، آرزو می کرد که سراسر سال رمضان باشد.» (۱)

بر این اساس، بزرگان دین مقید بودند در روز اول ماه رمضان دو رکعت نماز شکر می خواندند برای آن که

دستان شیطان بسته می شود. حضرت رسول (ص) فرمودند: «چون هلال ماه رمضان پدید آید، درهای دوزخ بسته و درهای بهشت باز می شود و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند.» (۴) اما چگونه دست شیطان در این ماه بسته می شود؟ با چند تعبیر می توان معنای دست بسته ی شیطان را دریافت:

دلیل اولش این است که شیطان در این ماه ضعیف می شود. از رسول اکرم (ص) روایت شده است که در شبانه روز فرشته ها که تعدادشان را جز خدا کسی نمی داند؛ موکلند و وظیفه دارند در ماه رمضان فقط برای روزه دار دعا کنند. (۵) این موضوع فریب شیطان را ضعیف می کند.

دلیل دومش به بیان امیرالمؤمنین (ع) این است: «شیطان عقده، عقده پیش می آید» یعنی گره، گره. (۶)

به گفته ی یکی از بزرگان که می فرمود: «ابتدا شیطان، گره ی تعلق به مستحبات را از دل آدم باز می کند. آرام آرام مستحبات را کنار می گذاری. دوم شیطان گره ی تنفر از مکروهات را باز می کند؛ در مرحله ی سوم گره ی علاقه به واجبات را باز می کند. پس نسبت به واجبات سست می شوی. چهارم گره ی تنفر از حرام را باز می کند و حرام را مرتکب می شوی.»

حالا این عمل شیطان چه ربطی به ضعیف شدنش در ماه رمضان دارد؟ دلیلش این است که انسان در این ماه یا مستحب انجام می دهد یا واجب. خوابیدن، عبادت محسوب می شود. نفس کشیدن، تسبیح محسوب می شود. خواندن قرآن، رفتن به مسجد یا تحصیل علم همه اش عبادت است. در حدیث آمده است که علت بسته شدن دست شیطان همین است.

جایزه ی خداوند به روزه داران

پیغمبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «خداوند به امت من در ماه رمضان پنج جایزه داده که امت های پیشین این جایزه را به این شکل نداشتند.

اول: هرگاه شب اول ماه رمضان فرا رسد خداوند به سوی آنان نظر می کند و کسی که خدا به او نظر کرده هرگز او را عذاب نمی کند
دوم: بوی بد دهان آنان به هنگام غروب در نزد خدا خوشبوتر از بوی مشک است
سوم: ملائکه برای ایشان در شب و روز استغفار می کنند.

چهارم: خداوند بلند مرتبه به بهشت خویش امر می کند که برای بندگان من استغفار نموده و خود را برای آنان تزیین کن. پس چه نزدیک است که سختیها و اذیتهای دنیا، آنها را [در خود فرو] ببرد و به سوی بهشت من و کرامت من بروند
پنجم: هرگاه شب آخر فرا رسد، خداوند همه آنان را می آمرزد.» (۷)
پی نوشت:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

۴. مستدرک، ج ۷، ص ۴۲۶.

۵. کافی، ج ۴، ص ۶۴.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱.

۷. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۴ - خصال، ج ۱، ص ۳۱۷.

«برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین رفیعی»



رمضان المبارک در آینه انقلاب جمهوری اسلامی ایران

انسان موجودی است پیچیده چه از نظر مادی چه از لحاظ معنوی. منطقین او را حیوان ناطق می‌نامند شاید هم ندانند چرا! بعضی با این عبارت مخالفند چون انسان را بالاتر از حیوان می‌دانند. انسانیتش وقتی معلوم می‌شود که دست‌بسته، زبان‌بسته در پیشگاه خدا قرار می‌گیرد تا از او پرسیده شود: «بأی الاء ربکما تکذبان؟! آیا جوابی دارد؟

انا لله و انا الیه راجعون. انسان با فطرتی پاک پا به عرصه وجود گذاشت آیا می‌تواند با همان پاکی به سرای آخرت عروج نماید؟ جواب را در این جمله می‌توان یافت: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.»

«اسلام دنیا را نفی نمی‌کند؛ تمتعات دنیوی را منفور نمی‌شمارد؛ انسان را با همه استعدادها و غرایز در صحنه زندگی، فعال می‌طلبد؛ اما همه این‌ها باید در خدمت تعالی و رفعت روح و بهجت معنوی انسانی قرار گیرد تا زندگی در همین دنیا هم شیرین شود. در چنین دنیایی، ظلم و جهل و درنده‌خویی نیست و این کار دشواری است و به مجاهدت احتیاج دارد و پیغمبر این جهاد را از روز اول آغاز کرد.»

ماه رمضان میدان مسابقه مؤمنان است؛ باید وارد میدان شد. میدان روزه، نماز، نوافل، دعا، ذکر، توجه، خشوع و تضرع و در آخر، اوج به سوی ربّ و ذوب درون رحمان. باید توانست دیگران را هم به این میدان وارد کرد تا آن‌ها نیز جرعه نوش بهشت شوند. باید نردبان دیگران شد پا بگذارند روی او، اوج بگیرند و از ملائک بالاتر روند. و چه زیباست ریزش رحمت و روایت فتح!

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

این وعده الهی است که او برکات زمین و آسمان را بر مردم با تقوا فتح خواهد کرد. آن مردمی که در طول چند ماه بر سیم خاردار نفس خود غلبه کرده‌اند تا رسیده‌اند به ماه لیلہ القدر. ماهی که «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا تُغْلَقُ إِلَّا آخِرَ لَيْلِهِ مِنْهُ» تا آسمان راهی نیست؛ آن را در شب‌های قدر پیدا کن. آن شب، تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ، این فرشتگان چه هنگام به زمین می‌آیند؟ آیا بعد از آنکه آدم اسمهای خداوند را در دعای جوشن کبیر زمزمه کرده است؟ آیا در چنین شبی آدم اسماء را آموخت؟! وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا.

شب قدر شب اسرار است. گویی خدای خیر الفاتحین در این شب‌ها در آسمانها را باز و هزار و یک اسم خود را بر قلب آدمی نازل می‌کند و فرشتگان به زمین می‌آیند تا به امر خدایش «حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد.» پس، قدر انسان چقدر است؟! «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ خداوند برای هر چیزی قدر و اندازه‌ای قرار داده است. آنان که انسان را حیوان ناطق می‌دانند، او را جسمی مادی پنداشته‌اند که روزی می‌آید و زمانی می‌رود. راست گفته‌اند چرا که «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» اما از بُعد «خليفة اللهی» او غافل مانده‌اند. سوالی باقی می‌ماند: چه انسانی لیاقت و ظرفیت این اسماء را دارد؟

«مراتب کمالات انسان برای ورود به ضیافت خدا زیاد است و باید از مقدمات شروع شود و مقدمات، همان توجه به غیر نداشتن و جز خدا ندیدن و هیچ چیز غیر از او نداشتن است. در اینجا باید عرض کنم که از همه مردم این معنا مطلوب است و اگر مردم بخواهند در ضیافت خدا وارد شوند، باید به اندازه وسعتشان از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند.»
و بی شک، «شب قدر وقت وصول ولی مطلق خداست» و «این وصول، ظهور سلطنت ملکوتیه اوست».

گریزی به گذشته بزنیم و به تاریخ سفر کنیم. حکومت اسلامی را می بینیم که از دوران امویان در ایران شروع شده است. اسلام در هر عصر، رنگهای گوناگون به خود می گیرد و گاهی نیز رنگ می بازد اما. برخی از فرهنگهایش مورد بی مهری قرار گرفته است و برخی مورد هجوم، مثل حیا و عفت و حجاب زنان. **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.**

دوران صفویه شاعران آیینی فرصت پیدا کردند که در رسای رسالت شعر بسرایند، به علماء بهای خاصی داده شد، در حکومت افشاریه نادرشاه ایران را از افغان ها پس گرفت، عصر زندیه، کریم خان زند (وکیل الرعایا)، هوشمند و با تدبیر بود و به آرامش و رفاه مردم اهمیت می داد و به دانشمندان ارج می گذاشت. وی کارخانه های چینی سازی و شیشه گری در ایران احداث کرد. صنایع و بازرگانی در دوره وی رونق فراوان یافت. در دوره ناصری (قاجار)، ساخت بناهای مذهبی و هنر کاشیکاری مساجد منحصر به فرد شد و این را می شود در در آن ها بوضوح دید. در نهایت آخرین حکومت پادشاهی ایران نیز حکومت پهلوی بود که با رضاخان آغاز شد و در نهایت به پادشاهی محمدرضا پهلوی رسید. در زمانه پهلوی اول و به قول طرفدارانش، رضاخان بسیاری از خدمات ثبت نشده در تاریخ دارد که از این مرد یک اسطوره ملی در تمام ادوار ساخته است. از جمله خدمات وی: مساله حجاب و منع پوشش چادر زنان (۱۷ دی ۱۳۱۴). در آن زمان علاوه بر چادر، چاخچور، نقاب، پیچه، مقنعه و روبنده نیز مرسوم بوده است معمول شدن لباس و کلاه متحدالشکل به سبک اروپایی.

و اما زمانه پهلوی دوم: «در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت محمدرضا در ۱۴ سال اول حکومت خود هنوز نتوانسته بود قدرت پدرش را کسب کند ولی از ۱۳۳۴ به بعد قریب به مدت بیست و سه سال به تدریج توانست به یک سلطان مطلق العنان تبدیل شود».
وارد ماه مبارک رمضان در عصر قاجار می شویم.

پایبندی به برگزاری مراسم خاص در شهرهای سراسر ایران در این ماه همچنان برقرار مانده است. با نواختن گزمه های حکومتی بر طبل هایشان، شهر در خاموشی فرو می رود، اما به میمنت از راه رسیدن ماه رمضان نه تنها عبور و مرور بعد از غروب آفتاب قطع نمی شود بلکه تا طلوع آفتاب ادامه می یابد. خانواده های زیادی با آب و آینه و سبزه راهی پشت بام می شوند تا هلال آغاز ماه رمضان را با چشم خودشان ببینند. مراسم گل خندانی یا کلوخ اندازان، پخت شیرینی های مخصوص این ماه، تغییر ساعات و عادات کاری، ختم قرآن و سایر مرسومات با شیوه های دلنشین برگزار می شوند و صفای خاصی به این ماه می دهند. «يَا مُنْشِي السَّحَابِ الثَّقَالِ اِيْ پدیدآورنده ابرهای پرباران»، باران صفا و رحمت را بر ما نازل کن.

مسجد و دعا و روزه و مراسمات مذهبی در همه دوره ها برپا و به راه بود، اما ایران هنوز گم شده هایی داشت و خداوند مژده داد: **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا:** به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم. نهضت های صد ساله اخیر با ورود «روح الله» به ثمر نشست. و باز رحمه للعالمینی از سبط پیامبر، شبه پیامبر رسالتش را آغاز کرد. **وَالْفَجْرِ، وَلَيَالٍ عَشْرٍ.** انقلابی از جنس نور به رهبری روح الله الخمينی الموسوی به اذن خدا و با یاری مردم همیشه در صحنه به وقوع پیوست و جمهوری اسلامی ایران «نه یک حرف زیادتیر نه یک حرف کمتر» شکل گرفت.

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان مایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.»

برکاتی به بزرگی بیشتر شدن درک و فهم و بصیرت مردمی که روزی روزگاری از فراگیری علم محروم بودند. برکتی به نام ولایت فقیه و برکتی به نام ولی فقیه که بردلها حکومت می کند و طبیب قلوب است. که فقط با پذیرفتن و همراهی و اطاعت کردنش می توان طبیب خود شد تا روز و شبهای ماه رمضان را بهتر فهمید و درک و رشد کرد و همراهش قدمی برای ظهور برداشت. قبل از انقلاب، در همه ادوار، به غذای روح مردم

کاملاً بی توجهی می شد. در کدام دوره حاکمش سنگ درمان روح مردمش را به سینه می زد و آنان را ولی نعمت می خواند و برای ماه رمضان آماده می کرد و می گفت:

«طیب خودتان باشید. بهترین کسی که می تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم. بیاورید روی کاغذ. بنویسید «حسد». بنویسید «بخل»، بنویسید «بدخواهی برای دیگران؛ وقتی کسی به خیری میرسد، ما ناراحت می شویم». بنویسید «تنبلی در کار». بنویسید «روح بدبینی به نیکان و صالحان». بنویسید «بی اعتنائی به وظایف». بنویسید «علاقه به خود؛ شدیداً به خودمان علاقه داریم». ماه رمضان فرصتی است که یکی یکی این بیماری ها را تا آن جایی که بشود، برطرف کنیم». تا حجب ظلمت و نور از میان نروند شب قدر را درک نخواهیم کرد گرچه بارها و بارها قرآن بر سر بگیریم. حیف است که رابطه میان شب قدر و حضرت فاطمه سلام الله علیها را نتوان فهمید.

«درباره رابطه میان شب قدر و حضرت فاطمه سلام الله علیها می توان گفت: دلیل نام گذاری حضرت زهرا سلام الله علیها [به] فاطمه در روایتی این طور عنوان شده است: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِّمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» نام فاطمه را فاطمه نهادند برای این که آفریدگان بریده و جدا شدند از کُنه معرفتش؛ یعنی حقیقت وجود فاطمه مانند شب قدر پنهان است و کُنه ذات فاطمه سلام الله علیها قابل معرفت برای همه آفریدگان نیست. اما عده ای از خواص خلق که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند که می دانند لیلۃ القدر چیست و مقام فاطمه را هم درک می کنند.

بنابراین، این روایت به معنای آن نیست که هیچ انسانی نمی تواند مقام فاطمه سلام الله علیها را بشناسد؛ بلکه انسان کامل می تواند مقام انسان کامل را بشناسد، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان انسان کامل و برترین مخلوق خداوند مقام شامخ فاطمی را درک کرده است.

البته، اگر نخواهیم معرفت مقام حضرت فاطمه سلام الله علیها را منحصر به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام کنیم؛ می توان گفت معرفت مقام مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها دارای مراتبی است. عده ای از اولیای الهی بخشی از آن را درک می کنند، اما معرفت و درک عمیق تر آن مخصوص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است و هر مقداری که مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها درک شود به همان

مقدار لیلۃ القدر هم درک می شود.

انقلاب ما انقلاب ارزشها بود، انقلابی از جنس نور. باید انقلاب درونی رخ دهد، انقلابی از جنس نور تا از نردبان انسانیت بالا رفت و پله پله به خدا رسید و آنگاه خدا به فرشتگان مباحات کند که بندگانم را ببیند که از شهواتشان گذشتند. ماه رمضان فرصتی است برای کسب نور، برای از جنس خدا شدن، برای رنگ خدا گرفتن.

و آن، یک راه بیشتر ندارد در راه مستقیم گام برداشتن جهت بندگی.

«ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. آن بت درونی ما -یعنی من- در خیلی جاها خودش را نشان می دهد. وقتی که منفعت به خطر بیفتد، کسی حرفت را قبول نکند، چیزی مطابق میل تو -ولو خلاف شرع- ظاهر بشود، یا سر دو راهی قرار بگیری، -یک طرف منافع شخصی، یک طرف وظیفه و تکلیف- در چنین تنگناها و بزنگاه هایی، آن من درونی انسان سر بلند میکند و خودش را نشان می دهد.

اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطانی را که در درون ماست، مهار کنیم، یا اقلأ قدری مهار کنیم، همه ی امور اصلاح خواهد شد. قبل از هر چیز، خود ما آدم خواهیم شد و به فلاح خواهیم رسید. ماه رمضان، مقدمه ی این است. روزه، نماز با توجه، انفاقات، حتی جهاد فی سبیل الله، برای رسیدن به چنین دنیایی است که مردم بنده ی خدا باشند».

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. تفسیر فرات کوفی (سایت اسلام کوئست)
۲. پرتال امام خمینی علیه الرحمه
۳. وصیت نامه امام خمینی علیه الرحمه
۴. صحیفه امام علیه الرحمه
۵. امام خمینی علیه الرحمه، آداب الصلاه
۶. بیانیه گام دوم
۷. بیانات امام خامنه ای مدظله العالی (سایت امام خامنه ای حفظ الله)
۸. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۹. آداب و رسوم ماه رمضان در زمان قدیم (سایت های بیتوته و راسخون)

فوائد روزه گرفتار از منظر ادیان و دانشمندان غرب

العاده ای می کند. در این حال اعضا هم استراحتی کافی دارند. دکتر «تومانیاس» درباره فواید بهداشتی روزه داری می نویسد: «فایده بزرگ کم خوردن و پرهیز نمودن از غذاها در مدت کوتاه، آن است که چون معده و طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده، در مدت یک ماه روزه داری مواد غذایی خود را دفع می کند و همین طور کبد که برای هضم غذا مجبور است دائماً صفرای خود را مصرف کند، در مدت سی روز ترشحات صفراوی را صرف حل کردن باقیمانده غذای جمع شده خواهد کرد.

دکتر «گوئل پا» فرانسوی می گوید: چهار پنجم بیماری ها از تخمیر غذا در روده ها ناشی می شود که همه با روزه اصلاح می گردد.

دکتر «آلکسی سوفورین» می نویسد: «جسم به هنگام روزه به جای غذا از مواد باقیمانده در بدن استفاده کرده و آنها را مصرف می کند و بدین وسیله مواد کثیف و عفونی ای که در جسم است و ریشه و خمیره بیماری ها از آنهاست، از بین می رود، روزه سبب بهبودی همه بیماری ها است. بنابراین، شایسته است که جسم خود را به وسیله روزه، نظیف و پاکیزه کنید.

دکتر «کارل» در کتاب «انسان، موجود ناشناخته» می نویسد: «با روزه داری، قند خون در کبد می ریزد و چربی هایی که در زیر پوست ذخیره شده اند و پروتئین های عضلات و غدد و سلول های کبدی آزاد می شوند و به مصرف تغذیه می رسند. همچنین می گوید: «لزوم روزه داری در تمام ادیان تأکید شده است. در روزه، ابتدا گرسنگی و گاهی نوعی تحریک عصبی و بعد ضعفی احساس می شود، ولی در عین حال، کیفیات پوشیده ای که اهمیت زیادی دارند، به فعالیت می افتند و بالاخره تمام اعضا، مواد خاص خود را برای نگهداری و تعادل محیط داخلی و قلب، قربانی می کنند و به این ترتیب روزه تمام بافت های بدنی را می شوید (خانه تکانی می کند) و آنها را تازه می کند.»

دکتر «ژان فرموزان» روش معالجه با روزه را، به شست و شوی اعضای بدن تعبیر می کند، که در آغاز روزه داری، زبان باردار است، عرق بدن زیاد است، دهان بدبو است و گاه آب از بینی راه می افتد، که همه اینها علامت شروع شست و شوی کامل بدن است. پس از سه چهار روز بو برطرف می شود، اسید اوریک ادرار کاهش می یابد و شخص احساس سبکی و خوشی خارق



ما را برای عشق به شما آفریده اند



خاطرات شهدا در ماه مبارک رمضان

میگفت «زودتر جمع بشیم و کار اقتصادی راه بندازیم». خودش هم کارهایی را شروع کرده بود. برای صنایع خودروسازی قطعه تولید میکرد. میگفت «چرا حوزه ی اقتصادی برای ما شده حوزه ی ممنوعه؟ الان باید کاری کنیم که بچه ها محتاج نون شبشون نباشن».

روایت نزدیک ۷: موصل، نویسنده: نفیسه ثبات
ماه رمضان آن سال نمازخوانها و روزه گیرها را از بقیه جدا کرده بودند، بعد بهشان گفته بودند باید بلوک بزنید. اینها هم میگفتند از این بلوکها برای سنگرهای عراقی استفاده می کنید، ما با دست خودمان برای دشمن سنگر نمی-سازیم.

ماه رمضان آن سال کار آشپزخانه چند برابر شد. عراقیها افطار و سحر غذای یخکرده می دادند. حال و حوصله نداشتند نصف شب غذا گرم کنند. حالا آشپزخانه دست مجید بود که برای هر چیز تا جان داشت، دل میسوزاند و این همه آدم روزه که منتظر بودند بینند مجید برای آن روز چه کار کرده. توی هر آسایشگاه چند نفر مریض داشتیم. اینها باید صبحانه می خوردند، نهار می خوردند، دسر بعد از ظهرشان به راه بود. کار خیلی سخت شده بود. بچه های آشپزخانه خواب و بیداری نداشتند. با زبان روزه چند شیفت کار میکردند. سحر غذای داغ و تازه، افطار هم همین طور.

دوره درهای بسته ۹: اسارت به روایت ابوالقاسم عبیری، نویسنده: مرضیه نظرلو

در ایام ماه رمضان هم در آسایشگاه ۴۴ نفر یمان سیزده نفری بودیم که روزه می گرفتیم. روی غذای ظهرمان یک کاسه می گذاشتیم تا برای سحر بماند. بچه ها موقع سحر غذایشان را روی چراغی گرم می کردند که در آسایشگاه بود و سهمیه ی هر کدامان در روز پنج دقیقه استفاده از آن بود. اما من زیاد در بند نبودم و همیشه از عراقیها نفت طلب داشتم. چند نفر از بچه ها علاوه بر روزه داری ماه مبارک در روزهای بلند تابستان روزه های هفده ساعته ی مستحبی می گرفتند و با پای برهنه فوتبال هم بازی می کردند.

روزگاران: خاطرات ۳، نویسنده: آیدین نظاری

ماه رمضان بعد از سالها دیدمش. خیلی با هم حرف زدیم. ناراحت بود که چرا بچه ها هر کدامشان رفته اند یک جایی و مشغول شده اند و از هم بی خبرند. بعضی از رفقا یا کار نداشتند یا زده بودند توی کارهایی که ربطی به رشته شان نداشت یا رفته بودند خارج. میگفت «من این چند سال با کلی شرکت های داخلی و خارجی ارتباط داشته ام. تجربه دارم. هرکدامون با مجموعه هایی ارتباط داریم. ظرفیتمون خیلی بالاست. یه مجموعه درست کنیم، باهم مشغول کار میشیم، تولید میکنیم، هوای هم رو داریم و دیگه تکی نمیریم توی سیستم که همرنگ سیستم بشیم».

حرف هم را خوب میفهمیدیم. بعد از آن افطار چند بار تلفنی حرف زدیم. یک بار هم آمد دفترم.



حسین گفته بود اگر من ماه رمضان منطقه بودم، شما به جای من قرآن را ختم کنید. پنج جزئش را خوانده بودیم. یک روز در زدند. برادر من کرد، گفت «از سپاه اومدن.» مادر من چادر سر کرد و رفت جلو در. فقط پرسید «جسدش کجاست؟» طرف تعجب کرده بود. فکر می کرد کسی قبل از خودش آمده به ما خبر داده.

روزگاران ۱۵ اسارت، نویسنده: لیلا قلی پور اسکویی
تقسیم کار با من بود. سطلی که شب می گذاشتیم برای دستشویی رفتن، صبح به صبح می بردند، خالیش می کردند، می شستند و می گذاشتند سر جاش. ماه رمضان بود. می آمد و می گفت «آقا اسم من رو بذار توی نوبت پیت. این ماه رو به کسی نده بیره». کتک زدن هایشان رسم و رسوم داشت. ماه های محرم و رمضان؛ دسته جمعی، ماههای دیگر؛ انفرادی. می آمدند می گفتند «تو، تو، بلند شو».

یکی قدش بلند بود، یکی کوتاه. یکی روی نام هاش بسم الله نوشته بود. یکی دستشویی نرفته بود. یکی نماز شب خوانده بود.

روزگاران ۱۸ / جنگ دریایی، نویسنده: حامد انتظام
ماه رمضان می خواست برود جزیره ی ابوموسی؛ مأموریت. تازه دوازده سالم شده بود. وقتی می رفت، بغلم کرد و گفت «سعی کن همه ی روزه هایت رو بگیری». دیگر ندیدمش.

روزگاران ۱۹: نفت، نویسنده: عابده بهمن پور
جمعه آخر ماه رمضان بود. همه رفته بودند راهپیمایی روز قدس. هوا گرم بود. آخرهای راهپیمایی صدای انفجار آمد؛ مخزنها را زده بودند. رفتیم طرفشان. بچه ها آتش را خاموش می کردند؛ با زبان روزه، توی آن هوای گرم. با آن گرمای آتش، یکی یکی از حال می رفتند. می بردیمشان بیمارستان. آنجا روزه شان را باز میکردند.

اینک شوکران ۱: شهید مدق به روایت همسر، نویسنده: مریم برادران
از خواب که بیدار شد، روی لبهاش خنده بود، ولی چشم هاش رمق نداشت. گفت «فرشته، وقت وداع است».

گفتم «حرفش را نزن.» گفت «بگذار خوابم را بگویم، خودت بگو، اگر جای من بودی میماندی توی دنیا؟» روی تخت نشستیم. دستش را گرفتم. گفت «خواب دیدم ماه رمضان است و سفره ی افطار پهن است.

رضا، محمد، بهروز، حسن، عباس، همه ی شهدا دور سفره نشسته بودند. بهشان حسرت می خوردم که یکی از به شانه م. حاج عبادیان بود. گفت بابا کجایی؟ بین چه قدر مهمان را منتظر گذاشته ای. بغلش کردم و گفتم من هم خسته م. حاجی دست گذاشت روی سینه ام. گفت با فرشته وداع کن. بگو دل بکند. آن وقت می آیی پیش ما. ولی به زور نه.» اما من آمادگی نداشتیم. گفت «اگر مصلحت باشد خدا خودش راضیت می کند.» گفتم «قرار ما این نبود.» گفت «یک جاهایی دست ما نیست. من هم نمیتوانم دور از تو باشم».

گفت «حالا می خواهم حرفهای آخر را بزنم. شاید دیگر وقت نکنم. چیزی هست که روی دلم سنگینی می کند. باید بگویم. تو هم باید صادقانه جواب بدهی.» پشتش را کرد.

گفتم «می خواهی دوباره خواستگاری کنی؟» گفت «نه، این طوری هم من راحت ترم، هم تو». دستم را گرفت گفت «دوست ندارم بعد از من ازدواج کنی».

کسی جای منوچهر را بگیرد؟ محال بود. گفتم «به نظر تو، درست است آدم با کسی زندگی کند، اما روحش با کس دیگر باشد؟» گفت «نه».

گفتم «پس برای من هم امکان ندارد دوباره ازدواج کنم». صورتش را برگرداند رو به قبله و سه بار از ته دل خدا را شکر کرد. او هم قول داد صبر کند. گفت «از خدا خواسته م مرگم را شهادت قرار بدهد، اما دلم می خواست وقتی بروم که تو و بچه ها دچار مشکل نشوید. الان می بینم علی برای خودش مردی شده. خیالم از بابت تو و هدی راحت است».

از چشمها ۱۰: اشتباه می کنید من زنده ام، شهید شرفخانلو، نویسنده: حسین شرفخانلو

من و داداش از اولین سالی که مدرسه رفتیم، در کارخانه وردست پدر شدیم. وقتی رمضان با تابستان مصادف می شد، به جای ساعت هشت صبح، بعد از سحری کار را شروع می کردیم تا وقت اذان ظهر. پدرم از همان بچگی تشویقمان کرده بود به ادای فرایض و ما سالها قبل از اینکه به سن تکلیف برسیم، نماز می خواندیم و روزه می گرفتیم. بیشتر روزه های قبل از سن تکلیف نصفه و نیمه بود و موقع اذان ظهر افطار می کردیم. اسم این روزه های نصفه و نیمه «طاباغا اروجی» بود که پدر برای هر روزش چند شاهی بهمان انعام می داد. ولی روزه ی کامل در هوای دمکرده ی کارخانه و پای دار قالی مکفاتی بود برای خودش. هر قدر من و کارگرها بیتاب می شدیم از تشنگی و هوای گرم، هما نقدر برادر من داد به کار و

ریز می شد روی حرکت دست های پدرم که اوستای کارگاه بود و نقشه میخواند و روی رجها گره علامت می زد و دستش آنقدر تند بود که ما هیچجور متوجه نمی شدیم کی گره را روی رج میبندد.

از چشمها: ۹: قاصد خنده رو، شهید محلاتی، نویسنده: فرهاد خضری

بعضی وقتها که خانه بود، کمک دستام هم بود. سینی غذای پاسدارها را خودش می رفت می آورد. یا ماه رمضانها، سماور را حتماً باید خودش می رفت روشن می کرد. هیچ وقت نشد توی روی بچه ها تند یا با صدای بلند با من حرف بزند.

یکی از کسانی که مقید بودم حتماً در ماه محرم یا رمضان بیاید منبر برود، شیخ فض لاله بود، که منبرها گرم و گیرایی داشت. میان صحبت هاش امکان نداشت از امام چیزی نگوید یا به رژیم نیش و کنایه نزند.

رادیو تلویزیون برای برنامه های مذهبیاش فقط او را می آورد. مدام سخنرانیهاش را از مسجد حاج شیخ عبدالحسین بازار پخش میکرد. شبهای احیای ماه رمضان یا ده شب محرم فقط از او دعوت میشد بیاید موعظه کند.

آقای محلاتی را در مراسمهای دیگر هم یادم هست که بیشترشان در منزل امام بود. ایام فاطمیه، یا محرم، یا رمضان می آمد منبر میرفت. نیم ساعت یا بی شتر می ایستاد و داغ و آتشین صحبت می کرد.

نیمه پنهان ماه ۲۰: شهید قریشی به روایت همسر، نویسنده: لیلا سادات باقری

آن شب بعد از اینکه با بچه ها کلی بازی کرد، نخوابید. گفت «ممکن است این ماه مبارک رمضان نباشم. دلم هوای دعای ابوحمزه ثمالی رو کرده؛ بیا با هم بخونیمش.» دعا را با هم خواندیم. نماز صبح را پشت سرش خواندم. بعد از او این همه نماز جماعت خواندم، هیچ کدام طعم این نمازهای دونفر یمان را نداشت.

آسمان ۵: شهید ستاری به روایت همسر، نویسنده: لعیا رزاق زاده

یک بار با عصبانیت ایستادم بالای سر منصور و نمازش که تمام شد، گفتم «منصور جان، مگه جا قحطیه که می آی می ایستی وسط بچه ها نماز؟ خُب برو یه اتاق

دیگه که منم مجبور نشم کارم رو ول کنم و پیام دنبال مهر تو بگردم.» تسبیح را برداشت و همان طور که میچرخاندش، گفت «این کار فلسفه داره. من جلوی اینها نماز می ایستم که از همین بچگی با نماز خوندن آشنا بشن. مهر رو دست بگیرن و لمس کنن. من اگه برم اتاق دیگه و اینها نماز خوندن من رو نبینن، چه

طور بعداً بهشان بگم بیاین نماز بخونین؟!»

قرآن هم که می خواست بخواند، همین طور بود. ماه رمضانها بعد از سحرکنار بچه ها می نشست و با صدای بلند و لحن خوش قرآن می خواند. همه دور ش جمع می شدیم. من هم قرآن دستم میگرفتم و خطبه خط با او میخواندم. اصلاً اهل نصیحت کردن نبود. میگفت به جای این که چیزی را با حرف زدن به بچه یاد بدهیم، باید با عمل خودمان نشانش بدهیم.

سرداران ۳: بیش از چند نفر، شهید جولایی، نویسنده: جواد کلاته عربی

در اولین روزهای تأسیس سپاه، پاسدار شد؛ رفت مهندسی سپاه. چند ماهی تهران بود که شنید در کرمانشاه به نیروی داوطلب نیاز دارند؛ رفت مهندسی کرمانشاه. چیزی نگذشت که جنگ هم شروع شد.

زیر آتش عراق و کومله دموکرات برای سپاه پادگان و سنگر ساخت. اولین زاغه ی مهمات سپاه را هم همان روزها ساخت. یک سال و چند ماه آنجا ماند و برگشت تهران. اواخر سال ۱۳۶۱، دفتر مهندسی استان تهران را به او دادند. اسفند ۱۳۶۳ مسئول نصب

پلهای شناور خیر شد؛ بزرگترین پل تاکتیکی جهان. گردانهایی که برای نصب پل تشکیل داد، هسته ی نخستین تشکیلاتی شد که بعدها صراط المستقیم نام گرفت. برای اینکه در جبهه حضور مستمر داشته

باشد، شد فرمانده تیپ رزمی مهندسی کوثر؛ یکی از تیپهای قرارگاه صراط المستقیم. سال ۱۳۶۴، مدیر کلی پشتیبانی مهندسی وزارت سپاه را هم به او دادند.

باید همه ی کارهای عمرانی وزارت سپاه را پشتیبانی می کرد. چند ماه بعد رئیس دفتر مهندسی استان مرکزی استعفا کرد؛ باز هم رفتند سراغ او. ۱۴۰ خرداد ۱۳۶۵ شد؛ ماه رمضان بود. برای جلسه ای باید میرفت قم. در راه بازگشت، با زبان روزه به دیدار پروردگارش شتافت.

مهندسی نخوانده بود، اما مهندسهاپیش اش چیز یاد میگرفتند. داوطلب کارهایی میشد که کمتر کسی برای انجامش پیشقدم میشد. هرچه میگفتند انجام میداد؛ نه نمیگفت. کارهایی به او میگفتند که از دست کسی برنمی آمد. کارهایی را قبول میکرد که کار چند نفر بود. قحط الرجال نبود؛ اما او به تنهایی

بیش از چند نفر بود. مادران ۲: شهیدان قاضی به روایت مادر، نویسنده: رخساره ثابتی

ماه رمضان سال هفتاد و چهار بود که یکی از دوستانمان ما را برای افطاری دعوت کرد.

نیم ساعت به اذان مانده، رسیدیم. بوی آش توی خانه شان پیچیده بود. اذان گفتند، همه دور سفره نشسته بودیم که تلفن زنگ زد. صاحبخانه گفت: «معصومه خانم! با شما کار دارند از سرخه ست.» با تعجب گفتم: با من؟ اینجا؟ گوشی را گرفتم. برادرم بود و پشت سر هم حرف میزد. انگشت هایم از شهاد خرمایی که توی دستم بود به هم چسبید. از خواهرم گفتم که همان روز توی سرخه روزنامه خریده بود؛ گفت که شهید آوردند و قرار است تا چند روز دیگر تشییع کنند. ضعف تمام بدنم را گرفتم. اسم محمد هم بین اسامی شهدا توی روزنامه بوده...

نفس بلندی کشید و گفت: «باید بروید برای شناسایی.»
اتفاق دور سرم چرخید، خرمای له شده را با اکراه گذاشتم توی دهانم و روزه ام را باز کردم.

فردا صبح هر چه اصرار کردم علی اکبر نگذاشت همراهش بروم. دل توی دلم نبود. تنها رفت پزشکی قانونی و با گریه برگشت. محمد را از درشتی استخوانها و سینه ی جلو آمد هاش شناخته بود؛ وسط گریه خنده اش گرفت:
«جورابه های کلفتی که از کفش ملی برایش خریدم سالم مانده بود.» و دوباره مثل بچه ها بلند بلند گریه کرد.

نمیدانم چه دیده بود که هیچوقت نگذاشتند من ببینم، حتی روز تشییع جنازه هم صورتش را باز نکردند تا ببوسمش؛ تا تلافی از بچگی تا حالایش را دریاورم.
عید فطر آن سال تمام اتفاقاتی که موقع تشییع اسدالله افتاده بود برایم تکرار شد، فقط عوض شده بود. بچه ها با ناراحتی کوچه را چراغانی کردند، همسایه مان نمی گذاشت پرچم سیاه از جلوه پنجره شان رد شود از سایه ی پرچم که چند ساعتی خانه شان را تاریک میکرد، دلش می گرفت.

مادران ۳: شهید غیاثوند به روایت مادر، نویسنده: نجمه کتابچی
همان سال ۶۱، تیرماه، ماه رمضان بود. من و خانجون طبقه ی پایین بودیم. خانجون برایشان افطاری می گذاشت و بچه ها خودشان می آمدند و می بردند بالا و سفره می انداختند. کارشان که تمام می شد، دایم صدای شوخی و خنده-شان می آمد. سر به سر هم می گذاشتند و آنقدر بگو و بخند میکردند که شک میکردیم اینها همان بچه های یک ساعت قبل باشند. بعد خودشان رختخوابها را از راه پشت بام می کشیدند و می بردند روی بام و زیر آسمان می-خوابیدند. گاهی سحری میرفتند بیرون؛ به هوای کله پاچه. اگر برای نماز صبح مسجد نمی رفتند، نزدیک سحر صدای صوت دعا و قرآن سعید می آمد. گوش میکردیم و لذت میبردیم. بقیه ی بچه ها پشت سرش می ایستادند و نمازشان را جماعت می خواندند.

مادران ۵: شهیدان آقاجانلو به روایت مادر، نویسنده: زهرا رجبی متین
مجید سیزده ساله و امیر چهارده ساله، عملیات والفجر مقدماتی جبهه بودند. بعد از عملیات، یک ماه آمدند مرخصی. ماه رمضان بود. امیر، قبل از آنکه بهش واجب بشود روزه گرفته بود. روزه می رفت با بچه ها سر خانه ی جدید کار می کرد. بعد از ظهر که می آمد خانه، میگفتم «مادر یه دقیقه بخواب. تشنه ای. آخه روزه که به تو واجب نیست، بخور.» میگفتم «تشنه ام نیست.» یکروز از طرف دولت بهمان آهن داده بودند. آقاش رفته بود سر زمین آنها را تحویل بگیرد. امیر می گفت «باید برای افطار اقام آب ببرم.» هرچه من گفتم «آقات روزه نیست» به خرجش نرفت. اصغر سیگاری بود و روزه نمی گرفت. تنهایی آقاش و تاریکی هوا را بهانه کرد رفت پیشش.

احادیث در اهمیت تلاوت قرآن کریم

پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند:

۱- إِنْ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَضَاءَ لَأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَيُّ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا (کافی ج ۲، ص ۶۱۰)

براستی خانه ای که در آن؛ قرآن فراوان خوانده شود، خیر آن بسیار گردد و به اهل آن وسعت داده شود و برای آسمانیان بدرخشد چنان که ستارگان آسمان برای زمینیان می درخشند.

پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرمایند:

۲- خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ. (نهج الفصاحه، ص ۴۷۳)

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آموزش دهد.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرمایند:

۳- يَا بَنِي لَا تَغْفُلْ عَنِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ - إِذَا أَصْبَحْتَ، وَ إِذَا أَمْسَيْتَ - فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (البرهان ج ۱، ص ۱۹)

فرزندم از خواندن قرآن در صبح و شبی که بر تو فرود می آید غافل مباش، زیرا که قرآن دل مرده را زنده می کند و از فحشاء و زشتی باز می دارد.

حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرمایند:

۴- إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السَّعَادَةِ وَمَوْتَ الشَّهَادَةِ وَالتَّجَاةَ

يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَالْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَانِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ.

(الحياه ج ۲، ص ۲۳۴)

اگر زندگی سعادت‌مندان و مرگ شهیدان و نجات روز حسرت (قیامت) و سایه روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می خواهید، قرآن را یاد بگیرید که آن سخن خدای مهربان، و سپری در مقابل شیطان و سنگینی در کفه ترازوی اعمال است.

حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند:

۵- أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَأَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللَّهِ. (من لا يحضره الفقيه ج ۴، ص ۴۰۲)

راست ترین سخن، رساترین پند و زیباترین حکایت ها، کتاب الله (قرآن) است.

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند:

۶- مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَتَفَقَّهَ فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ جَمِيعِ مَا أُعْطِيَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَ الْمُرْسَلُونَ.

(وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۴)

هر کس برای کسب رضایت خدا و آگاهی در دین، قرآن قرائت کند، ثوابی مانند همه آنچه که به

مهرماه مبارک انزال فرشته

براستی که قرآن ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است، که شگفتی هایش پایان ندارد، اسرار نهفته آن تمامی ندارد و تاریکی ها (حجابهای نورانی و ظلمات نفسانی) جز بوسیله آن رفع نخواهد شد.

یعنی تمام هدایتها و اسرار ملکوت آسمانها و علوم غریبه حقیقی در آیات قرآنی، بصورت مکنون و سر به مهر میباشد که جز اهل یقین و ذوات قدسیه معصومین، کسی را یارای مسّ حقایق زیبای آن صحیفه نور نمی باشد.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

۱۰- مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَ.
(محاسن، ج ۱، ص ۲۱۶)

هر کس حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از فتنه ها برکنار نمی ماند.

امام علی (علیه السلام) میفرمایند:

۱۱- وَ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.
(نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

و حقّ فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد.

فرشتگان و پیامبران و رسولان داده شده، برای اوست. مولى الموحّدين (علیه السلام) می فرمایند:

۷- عَلَيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ ... مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

بر شما باد رجوع به کتاب الله (قرآن) ... کسی که به آن عمل کند از همه (در کمال) پیشی می گیرد.

امام علی (علیه السلام) میفرمایند:

۸- أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ.
(نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸)

آگاه باشید که همانا دانش آینده، اخبار گذشته و درمان دردهایتان و نظامند شدن امور میان شما، در قرآن است.

تنها با ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر قرآن، میتوان امورات دنیوی و اخروی بشریت را سامان و استعدادهای خدادادی را به منصه ظهور رسانید.

امیرالمومنین (علیه السلام) میفرمایند:

۹- إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتِ إِلَّا بِهِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

آشپزخانه سلامت

توصیه‌های غذایر حکیم خیراندیش برای ماه رمضان



راهکارهای تغذی ای در ماه مبارک رمضان

تن خود میزان آن را می داند؛ این نوع روزه واجب است و موجب تنظیم روح و جسم می‌شود اما دو نوع روزه نخست اختیاری هستند.

روزه ماه مبارک رمضان خلط سرد را کاهش می دهد، این کاهش سردی موجب افزایش گرما می شود؛ بنابراین مزاج انسان در ایام روزه داری گرم می شود و اگر انسان دستورات معنوی را انجام دهد روح انسان نیز گرم می شود.

وی در زمینه توصیه های تغذیه ای در ماه مبارک رمضان بیان داشت: روزه داری برای افراد دارای مزاج بلغمی مناسب است زیرا رطوبتشان را کاهش می دهد؛ روزه داری موجب گرم شدن افراد دارای مزاج صفراوی می شود بنابراین تعادل آنها به هم می ریزد که برای تنظیم تعادل تخلیه جنسی شبانه توصیه می- شود. خیراندیش با بیان این که غذاهای ماه رمضان باید متناسب با فصلی باشد که ماه رمضان در آن قرار گرفته است، تشریح کرد: بلغمی ها در این ماه از غذاهای مرطوب استفاده نکنند و افراد گرم مزاج از نوع صفراوی نیز صفرازدا مانند تمام خنکی ها، ماست، دوغ، زرشک، کیوی و لیموی شیرین استفاده کنند. دمای ها در زمان افطار از شربت لیمو با آب گرم استفاده کنند؛ صفراوی های در سحر از غذاهای صفرازا مانند چربی و گوشت مصرف نکنند که در صورت استفاده روزه داری برای آنها مشکل خواهد بود. اگر به آنچه که ذکر می‌شود، پایبند و ملتزم شوید، به

بلغمی ها در این ماه از غذاهای مرطوب استفاده نکنند و افراد گرم مزاج از نوع صفراوی نیز صفرازدا مانند تمام خنکی ها، ماست، دوغ، زرشک، کیوی و لیموی شیرین استفاده کنند.

حسین خیراندیش، محقق و پژوهشگر طب اسلامی و سنتی با بیان این که تن انسان دارای دو عنصر مادی و معنوی است، گفت: در مزاج شناسی گفته شده است طبع انسان دارای ۴ ماده و ۴ رکن یا خلط است.

وی ادامه داد: این عناصر و بعدهای معنوی و مادی در مدت معینی در کنار یکدیگر در قالب نفس زیست می کنند که اگر بخواهیم آنها را در کنار یکدیگر در حال تعادل نگه داریم نیاز است مقدار آنها نیز در حال تعادل باقی بماند؛ بنابراین خداوند که نسبت به انسان آگاهی کامل دارد برای حفظ تن انسان دستورات لازم را صادر کرده است؛ به دلیل این که نخست بدن انسان آفریده می شود سپس روح، باید در مرحله نخست جسم یعنی اخلاط چهارگانه را تنظیم کرد سپس روح را.

برخی افراد به مدت هفت روز فقط آب مصرف می کنند و برخی افراد نیز از غذاهای خاص پرهیز می کنند مانند مسیحیان که در برخی زمان ها از خوردن گوشت حیوانات پرهیز می کنند زیرا زیاده روی در خوردن غذاهای حیوانی روح حیوانی انسان را نمایان می کند.

وی ادامه داد: روزه دیگر که عام است کم خوری و به اندازه خوردن است که هر فردی بر اساس سازگاری

شما تضمین داده می شود که طبق حدیث «صُومُوا تَصِحُّوا»، در پایان ماه مبارک رمضان، جسم سالم تری، خواهید داشت ان شاء الله.

سحری

خوردن سحری، در ماه رمضان، مستحب و ترک آن در امت اسلامی، توسط پیامبر، نهی گردیده است. و البته خوردن سحری برای افراد لاغر و گرم مزاج صفاوی، می توان گفت، اجباری است! چون گرسنگی زیاد، باعث گرمی بیشتر بدن می شود و این گرما، معده را مجبور می کند که رطوبت و چربی های بدن را بیشتر جذب کند! از اینرو، خوردن سحری برای افراد گرم مزاج و لاغر، واجب و ضروری می باشد. زیرا، در طی روز و روزه داری به علت گرسنگی، «حرارت بدن»، بالا می رود (به علت خالی بودن شکم، حرارت به خارج بدن و پوست، کشیده می شود) و این حرارت در ذوب چربیها، بسیار مفید و دوی درد چاقهاست! اما برای لاغرها، شرایط متفاوت است؛ زیرا چربی ناشی از چاقی، وجود ندارد؛ از اینرو، بدن فرد لاغر از رطوبت مفید، بهره برده و شخص بتدریج به خشکی مزاج و عوارض ناشی از غلبه صفرا و گرمی، دچار می گردد. از این رو، نخوردن سحری بویژه برای افراد لاغر، زیانبار خواهد بود.

عمده در آداب قبل از سحری، چنین است که: در فاصله مناسب و حدود «یک و نیم ساعت» قبل از آغاز اذان صبح، بیدار شوید. خداوند متعال را برای زندگی و حیات دوباره، سپاسگذاری کرده و سجده شکر کنید. آنگاه دهان را شستشو داده (مضمضه و استنشاق) و نیز بهداشت دهان و مسواک، فراموش نشود. بعد مقداری نمک طبیعی (نمک سنگ معدن یا نمک دریا مطمئن) را مزه مزه کرده و در سرتاسر فضای دهان، بچرخانید تا بدن آماده دریافت غذا گردد. آنگاه، ضمن حمد و ثنای الهی و گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم»، سوره «قدر» را تلاوت کنید، که طبق حدیث امام صادق، هر شخصی، قبل از سحر و افطار، سوره انا انزلناه، را قرائت کند، ثواب و پاداش شهید را دارد.

سپس حتماً نیم ساعت قبل از غذای سحر، آب و شربت های مخصوص سحر، از جمله شربت آبلیمو عسل، شربت خاکشیر و تخم شربتی با گلاب، شربت سکنجبین و ... و یا در فصل سرد سال دمنوش های گرم مثل جای به و سیب را میل بفرمائید.

آنگاه غذای سحری همچون: برنج با خورش گوشت قیمه و سبزی، نان سیوس دار کامل با تخم مرغ طبخ شده در روغن زیتون، تلبینه، برنج و فسنجان، کوبیده آبگوشت، کله پاچه (به هنگام مصرف کله پاچه، حتماً پاچه گوسفندی، را نیز خریداری نمائید. زیرا به تجربه شده است که پاچه گوسفند، به دلیل تولید ژله فراوان، از کم آبی بدن در طول روز جلوگیری می کند)، آش سبزی حبوبات، برنج با خورش آلو و خورش کدو، حلیم، را همراه با مصلحات این غذاها، میل نمائید و از خوردن غذاهای ممنوعه و نیز غذاهای ناسازگار با هم، نیز پرهیز شود.

رفع بوی بد دهان - حکیم خیر اندیش

بوی بد دهان؛

بوی بد دهان سه علت دارد، یا ناشی از ریزش سینوسی یا عفونت دهان و دندان یا عفونت گوارشی (معدده) است. اما راه های درمان آنها به شرح زیر می باشد:

۱. اگر فرد سینوزیت نداشته باشد و دهان ولثه هم مشکلی ندارد برای رفع آن می تواند یک قاشق مربا خوری بارهنگ داخل یک لیوان عرق نعنا را به مدت ده دقیقه بجوشاند و بعد به آن عسل را اضافه کند و هر روز مصرف کند در واقع این سردی معده است که باعث بوی دهان می شود بنابراین با استفاده از این دارو می توان بوی بد دهانی که ناشی از سردی معده می باشد را از بین برد.

۲. اگر ناشی از عفونت دهان و لثه و دندان باشد درمان آن مسواکی با خمیر دندان عسل و نمک می باشد که از ترکیب ۲ واحد نمک و ۵ واحد عسل است، با این خمیر دندان مسواک بزنید تا عفونت دندان و لثه از بین برود.

بنابراین بوی بد دهانی که ناشی از عفونت دهان می باشد را از این طریق می توان برطرف کرد.

۳. اگر فرد سینوزیت داشته باشد بوی دهانی که از آن پدید آمده است می توان با استفاده از روغن سیاه دانه به این صورت که روغن سیاه دانه را داخل بینی بچکانند به صورت یک یک دو دو تا شش روز ادامه دهند بعد از یک هفته قطع کنند دوباره تکرار کنند به این ترتیب بوی دهان مرتفع می شود.

بنابراین راه از بین بردن بوی بد دهان ناشی از سینوزیت استفاده از روغن سیاه دانه می باشد.



زمره سحر

بدان که کلید معرفت خدای عزوجل، معرفت نفس خویش است
و برای این است که گفته اند :
«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

پس در خلاصه هیچ چیز به تو از تو نزدیک تر نیست، چون خود
را شناسی دیگری را چگونه خواهی شناخت ؟

و خود را چنان شناس که چون گرسنه شوی نان خوری و چون
عصبانی شوی گلاویز کسی شوی که تمام چهار پایان با تو در
این خصایص برابرند. پس تو را در حقیقت خود طلب باید کرد
که بدانی از کجا آمده ای و به کجا خواهی رفت و اندرین منزلگاه
به چه کار آمده ای و سعادت و شقاوت تو در چیست ؟
و صفاتی که در تو جمع است بعضی صفات چهارپایان و بعضی
درندگان و بعضی شیاطین و بعضی فرشتگان است. حال تو جزء
کدامی ؟

اما سعی آن است که خود شناسی. اگر تو فرشته گوهری در
اصل خویش را بشناسی حضرت الهیت را شناختی و خود را به
مشاهده ی آن جمال راه دهی و خویشتن را از دست شهوت و
غضب خلاص دهی.

که در حقیقت دل از این عالم نیست و به این عالم غریبه است و
همه ی اعضاء لشکری هستند و او پادشاهی برای شناخت معرفت
خدای تعالی و مشاهده ی جمال حضرت وی. پس جهد کن تا او
را بشناسی که آن گوهر عزیز است.

بار لها ... !!

هنگامی که شروتم دادی،

خوشبختترام را نکیر،

هنگامی که توانسرام دادی،

عظلم را نکیر،

هنگامی که مقام دادی،

تواضعم را نکیر،

هنگامی که تواضعم دادی،

عزتم را نکیر،

هنگامی که قدرتم دادی،

عفوالم را نکیر،

هنگامی که تدرتیم دادی،

ایمانم را نکیر،

و هنگامی که فراموشت کردم،

فراموشتم نکنم

آمین...



آش کارده

خرده برنج	یک پیمانه
آرد گندم	نصف پیمانه
دوغ	نیم کیلو
آب	دوازده پیمانه
نمک	به میزان لازم
زردچوبه	به میزان لازم
کارده خرد شده	به مقدار دلخواه

دستور اولیه:

آب را در ظرفی ریخته و روی شعله گاز قرار می دهیم آب نباید به جوش بیاید، هنگامی که حباب های ریز ته ظرف مشاهده شد شعله را خاموش می کنیم، همه مواد را به جز آرد به آب گرم اضافه میکنیم (خرده برنج، کارده، دوغ).... حالا آرد را در آب سرد حل می کنیم تا گلوله گلوله نشود و بعد از این کار آن را به بقیه مواد اضافه می کنیم؛ توجه توجه...

ظرف مواد را در جای گرم قرار داده و آن را با پارچه ضخیم یا حتی پتو میپوشانیم، حداقل ۴ الی ۵ ساعت، حداکثر ۱۲ الی ۲۴ ساعت مواد را به همین صورت نگه میداریم به این کار می گویند استراحت دادن مواد... به قول قدیمی ها کارده را می خوابانیم.

دستور پخت:

بعد از زمان گفته شده مواد را روی شعله قرار داده ابتدا شعله را بلند می کنیم تا به جوش آید باید مواظب باشیم تا مواد سر نیاید، تا به جوش آمدن مواد مرتب آن را هم بزنید هنگامی که به جوش آمد مقداری زردچوبه و نمک به مواد اضافه می کنیم و شعله را کم می کنیم و اجازه می دهیم مواد جا بیفتد حداقل یک ساعت با شعله ملایم... این آش باید رقیق باشد اگر دیدید سفت شد درحین پخت به آن آب گرم اضافه کنید. این آش هنگامی که سرد شود سفت تر نیز می شود پس تا می توانید آن را رقیق درست کنید.

(کارده حتما باید با دستکش خرد و شسته شود چون بسیار بُرنده هست) در صورت نداشتن کارده میتوان از اسفناج هم استفاده کرد.

طلحه بانو

حلوا زرد

آرد	۱ لیوان
شکر	۱٫۵ لیوان
آب	۱٫۵ لیوان
گلاب	نصف لیوان
روغن	تقریباً نصف لیوان
هل و زعفران	به میزان لازم

دستور :

ابتدا شکر و آب به صورت شیره درمی آوریم، وقتی شکر حل شد در آخر گلاب و زعفران هم اضافه میکنیم، نیاز به جوشیدن نیست. سپس آرد تفت میدیم، رنگ آرد نباید تغییر کنه بعد از تفت دادن الک میکنیم دوباره درون ظرف ریخته بعد روغن اضافه میکنم طوری که آرد گلوله گلوله نشه، حالت یه مایع روان بشه. سپس شیره را کم کم اضافه میکنم و سریع هم میزنیم، همین کار ادامه می دهیم تا شیره تموم بشه و حلوا از ظرف جدا بشه و در آخر برای شفاف شدن در حد یه قاشق روغن مایع اضافه میکنیم. حالا خانمهای کد بانو به سلیقه خودتون تزئین کنید.



این ماه، ماه ضیافت الهی است. پذیرایی خداوند از بندگان خود در این ماه - که یک پذیرایی معنوی است - عبارت است از گشودن درهای رحمت و مغفرت و مضاعف کردن اجر و ثواب اعمال خیری که بندگان در این ماه انجام می‌دهند. روزه‌ی ماه رمضان هم یکی از مواد همین ضیافت عظیم الهی است که مایه‌ی تصفیه‌ی روح انسان و ایجاد زمینه‌ی طهارت قلبی روزه‌دار است. امام سجاد علیه‌السلام در خطبه‌ای فرمود «شَهْرُ الطَّهُّورِ وَ شَهْرُ التَّمْحِیصِ»؛ ماه رمضان، ماه پاک شدن و طهارت قلب و ماه مغفرت است. چون خدای متعال استغفار را در این ماه بیش از دیگر ایام سال مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دهد. لذا در یک روایت وارد شده است که «فَمَنْ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فِي رَمَضَانَ فَفِي أَيِّ شَهْرٍ يَغْفِرُ لَهُ؟» اگر کسی در ماه رمضان - که درهای رحمت و مغفرت الهی به روی انسان‌ها گشوده است - نتواند به مغفرت و رحمت الهی دست پیدا کند، پس کی چنین توفیقی نصیب او خواهد شد؟

یکی از مواد این مائده‌ی الهی و ضیافت الهی، لیلَةُ الْقَدَر است «لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛ شبی که به عنوان لیلَةُ الْقَدَر شناخته شده است و مردّد است بین چند شب در ماه رمضان، از هزار ماه برتر و بالاتر است. شب قدر از شب‌های با عظمت و با اهمیت سال بوده که قلم‌ها در وصفش ناتوان، زبان‌ها در توصیفش قاصرند و عقل در فهم آن مبهوت و درمانده است. بی‌شک دلیل فضیلت این شب بر شب‌های دیگر به اعتبار اموری است که در این شب برآورده می‌گردد، و گرنه اجزای زمان یا مکان، درجه و رتبه وجودیشان یکی است و بین آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. در ساعت‌های کیمیایی لیلَةُ الْقَدَر، بنده‌ی مؤمن باید حداکثر استفاده را بکند.

بهترین اعمال در این شب، دعاست. احیاء هم برای دعا و توسل و ذکر است. نماز هم که در شب‌های قدر یکی از مستحبات است، در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده است که دعا «مَخَّ الْعِبَادَةِ»؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماه‌ها، روح عبادت، دعاست. برای نمونه، در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: هنگامی که ماه رمضان نزدیک شد - در ایامی که سه روز از ماه شعبان باقی بود - به بلال گفت: مسلمانان را به مسجد بخوان و چون حاضر شدند، بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم، پروردگار این ماه را به شما اختصاص داده است، آن سید ماه‌هاست و در آن شبی است که از هزار ماه نیکوتر است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۶۱۸). خداوند متعال می‌فرماید: «شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن (بقره/ ۱۸۵)؛ ظاهر آیه آن است که تمام قرآن در این ماه نازل گردید و در نخستین آیه سوره قدر نیز می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ» (قدر/ ۱)؛ ما آن را در شب قدر نازل کردیم. از انضمام این دو آیه شریفه به‌خوبی معلوم می‌شود که شب قدر یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است، اما در قرآن چیزی که بر آن شب دلالت کند نیامده است و تنها در روایت‌ها اشاره‌هایی به آن شده است. ۲. شب تقدیر امور قرآن کریم علت دیگر فضیلت این شب بزرگ را تعیین مقدرات انسان قلمداد کرده و می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ﴿۳﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾» (دخان/ ۳-۴)؛ ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم، ما همواره انذارکننده بوده‌ایم، در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد.

القلادة أنا أنزلنا في



لوح پرواز

دل من از غم بهر آن رخت نگین است
بار بهر آن تو بر سینه من سنگین است
به کدایم تو بر پادشاهان فخر کنم
پادشاه هر که کدایت نبود سنگین است
هر کس از خلق برد کاشانه توست
غرت هر دو جهانش به خدا تضمین است

دوری از گناهان (غیبت)

علامه بحر العلوم رحمت الله در حرم امام عسکری علیه السلام، مشغول نماز بود در تشهد نماز توقفی فرمود سوال کردند علامه چه شد در تشهد نماز توقف کردی فرمود مشغول نماز بودم ناگهان دیدم حضرت بقیه الله علیه السلام وارد حرم شدند چشمم به جمال مهدی علیه السلام افتاد محو جمال او شدم؛ در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد نبیه بزرگوار راجع به فضایل ماه مبارک رمضان در خطبه های مبسوط و جامع در یک کلام کوتاه می فرماید زبان هایتان را در این ماه حفظ کنید گفته شد یکی از گناهان زبان گناهی است شایع و فراوان به نام غیبت که اجتماع ما به این گناه آلوده است چون گناهیست بدون زحمت بدون رنج و انجام دادنش هیچ موونه ای ندارد عرض کردیم شیخ مرتضی انصاری رحمت الله در مکاسب محرمة در باب الغیبة اولین جمله ای که دارند این عبارت است از الغیبة و حرام و بالادله الاربعه، غیبت حرام است به ادله اربعه یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل که هر کدام مستقلاً دلالت بر حرمت این گناه بزرگ دارد و

یک آیه مورد عنایت قرار گرفته و اما آیه دوم «ویل لكل همزة لمزة» وای بر انسان همزه لمزه، آقایان مفسر در مورد همزه می فرمایند کسی است که با دست چشم یا ابرو یا اشاره عیوبات انسانی را به انسان دیگر برساند و لمزه کسی است که با زبان عیوبات را بیان کند ملا مهدی نراقی رحمت الله در جامعه و سعادت می- فرمایند غیبت با اشاره و کنایه هم محقق می شود، یعنی یک نفر در مغازه شما می آید از شما جنس بخرد شاگرد به شما می گوید حاج آقا مشتری است شما با دست اشاره می کنید که ولس کن یعنی چیزی بخر نیست آدم خوبی نیست با این اشاره ی عیبی را به او تفهیم می کنید این غیبت محسوب می شود با گوشه ابرو با گردش مردمک چشم عیبی را به دیگران تفهیم کنیم می شود غیبت. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روی منبر خطبه ای می خواندند و فرمودند مردم آیا می دانید غیبت چیست اصحاب گفتند خدا و رسولش بهتر می داند که غیبت چیست و پیامبر فرمودند یاد کنی برادرت را به چیزی که اگر بشنود خاطرش آزرده گردد و ناراحت بشود حالا این موضوع هر چه می خواهد باشد وقتی شنید و ناراحت شد غیبت است شاید



یک کلمه کوتاه باشد.

بله غیبت، بین مسلمان را سریعتر از مرز آکله از بین می برد. مرز آکله همان مرز خورده است قدیم بعضی ها بیماری خوره می گرفتند بیماری خوره وقتی پیدا می شود یک عضو بدن را شروع به خوردن می کند و یک مرتبه قسمتی از بدن را می خورد همانطوریکه خوره اعضای بدن را می خورد غیبت دین شما را می خورد و می بندد خوشا به حال آن انسان هایی که مالک زبان هایشان هستند قدری در گفتارمان بیشتر دقت کنیم و نگذاریم غیبت سرمایه های عمل صالح ما را به باد دهد و فردای قیامت دست خالی وارد صحرای محشر بشویم. در تهران پیرمرد صالحی از مردان خدا بود که تعبیر جالبی داشت همیشه وقتی صحبت از عمل خیر و عمل صالح می شد که مثلاً فلانی کار خیری کرده صدقات خیلی انجام داده عمل صالحی انجام داده تعبیرش این بود که نفتالو بزن که بید نزنه چهار تا پارچه قالیچه قیمتی را چه می کنی نفتالو میزنی که بیدزرد و حشرات آن را نابود نکنند. می فرمودند این عمل صالح را هم نفتالو بزن که بید نزنه یک بید آن غیبت است و بید عمل را می زند بعد فردای قیامت میبینیم که چیزی نداریم دستان خالی است و وبال گردن دیگران

هم روی گردن ما است و باید با دست خالی وارد آتش جهنم بشویم شبهای جمعه با شبهای دیگر فرق دارد شبهای جمعه حضرت حق دنبال گناهکارها می آید و در حدیث شریف است همین که غروب جمعه می شود حضرت حق از عرش صدا می زند آیا سائلی است مستغفری است تائبی است که ما را بخواند و تا او را اجابت کنیم شبهای جمعه دریاهای رحمت الهی به جوشش می آید حضرت باری تعالی را دوست دارند بندگان گناهکارش در خانه او بیایند خداوند متعال در حدیث قدسی به حضرت داوود نبی اسلام می فرماید ناله گنهکاران پیش من محبوب تر از تسبیح تسبیح کنندگان است وقتی بنده گناهکاری در خانه خدا می رود و گریه می کند حضرت حق، ملائکه را شاهد می گیرد و می گوید ببینید این جوان گناهکار چگونه در خانه من آمده است شاهد باشید که من او را آمرزیده و فکر کردم خوشا به حال کسانی که با خدا رابطه دارند.

منبع

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران، گناهان زبان همراه با حکایتهای آموزنده، انتشارات مسجد مقدس جمکران، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

آثار روزه داری

رحمت خدا این قدر مهم است که انبیاء الهی دعا می کردند: ادخلنی فی رحمتک عبادک الصالحین. هر کس که مشمول رحمت خدا شد بقیه ی مسائل حل است.

اول دعای کمیل می گوئیم اللهم انی اسئلك برحمتک التی وسعت کل شیء.

رحمت خدا دو قسم است: یک رحمت عام و فراگیر دارد و نگاه نمی کند که طرف مؤمن است یا کافر. به همه این رحمت را می دهد. مثل رحمت جاذبه که شامل همه ی انسانهای روی زمین است، رحمت هوا، سلامت، غذا ... و دیگری رحمت خاص است. مثلاً باعث می شود که انسان لذت عبادت را بچشد، باعث می شود افسردگی نداشته باشد، باعث احساس آرامش می شود، باعث می شود که انسان از مرگ نترسد. رحمت خاص شامل هر کسی نمی - شود. لذا از خدا می خواهیم که این رحمت را به ما بدهد.

در دعای مناجات حضرت امیر می فرماید که خدایا به من رحم کن. رحمت خاص خدا این است که از آنها راضی باشد.

پس در روزه خدا رحمتش را شامل بنده می کند. بنده هفده ساعت گرسنگی و تشنگی را تحمل می کند مخصوصاً نوجوانانی که سال اول شان است که روزه می گیرند و او فقط بخاطر خدا دارد این کار را می کند.

اگر ساعت ناهار این نوجوان جابجا بشود نوجوان صدایش در می آید.

داریم که روزه دار یک شادی عجیبی در افطار دارد و یک شادی هم هنگام عید فطر دارد.

در روایات داریم که جایزه ی ویژه به فرد روزه دار داده می شود. حالا اگر کسی بیمار است و عذر دارد و نمی تواند روزه بگیرد از این ثوابها محروم نمی شود. زیرا ماه، ماه رحمت است.

روایتی از بحار داریم که پیامبر (ص) فرمود: هیچ کسی نیست که ماه رمضان روزه بگیرد و سختی آنرا تحمل کند مگر این که هفت اثر در زندگی او داشته باشد البته هر روزه ای این اثر را ندارد: ۱. یکی از آن آثار این است که حرام در بدنش ذوب می شود. کسی که نگاه و استماع و ... حرام داشته باعث می شود که اینها در بدنش تحلیل برود. یعنی این خود بخود پادزهری است که در زندگی، حرام را از بین می برد. این یک تمرین و ممارست است. کسی که سی روز نخوردن حلال را تمرین می کند، بعد از ماه رمضان این فرد می تواند حرام را هم نخورد.

شما که بخاطر روزه آب نخوردی، پس می توانی دیگر شراب هم نخوری، شما که با این روزه حلال مرتکب نمی شوی، در حال روزه خیلی از کارهای حلال حرام می شود مثلاً خوردن.

در مکه وقتی شما محرم می شوید می گویند که مورچه را آزار ندهید، بدنت را نخارانید، خون از بدنتان بیرون نیاید. این می خواهد بگوید که تو اینجا نباید مورچه را آزار بدهی تمرین بکن که بعداً مردم را آزار ندهی.

انسانی که روزه می گیرد و حلال بر او منع می شود می تواند دنبال نامحرم نرود، پای صحنه های مبتذل ننشیند. پس این اولین اثر است. حالا عده ای نگویند که ما یازده ماه سال را گناه می کنیم و در یک ماه رمضان همه ی آنها ذوب می شود.

۲. دومی این که کسی که روزه می گیرد به رحمت خدا نزدیک می شود. در قرآن ۱۱۴ بار بسم الله الرحمن الرحیم است که ۲۲۸ بار کلمه ی رحمت در آن تکرار شده است. بعضی از سوره های قرآن با رحمت شروع شده است. مثل سوره ی مریم.



قرآن و دعا خواندن و خیلی کارهای دیگر می توان در این ماه انجام داد. بحث ما روی کسانی است که می توانند روزه می گیرند و به آن بی توجهی می کنند.

۳. اثر سومی این است که خداوند سكرات موت را بر فردی که روزه می گیرد آسان می کند. سكرات به معنی مستی مرگ است یعنی لحظه ای که انسان دارد از بستگانش جدا می شود و یک حالت سختی است زیرا لحظه ی انتقال است.

بعضی از اولیاء خدا برای آن لحظه گریه می کردند. پس برای فرد روزه دار لحظه ی مرگ آسان می شود و عزرائیل را به صورت خوبی می بیند و جان دادن برایش سهل می شود.

۴. اثر چهارم این است که فردی که روزه می گیرد از تشنگی و گرسنگی روز قیامت مصون می ماند. دانش آموزی که صبح تا شب درس می خواند و کلاس می رود، به امید قبولی در کنکور همه ی این سختی ها را قبول می کند. این روایت خیلی زیاد است.

۵. اثر پنجم این است که خداوند او را از آتش جهنم در امان می دارد. یکی از عواملی که باعث جهنمی شدن ما است شیطان است. در ماه رمضان شیطان عملاً دستش بسته است.

۶. اثر ششم این است که خدا از غذاهای پاکیزه ی بهشت به او می خوراند زیرا او مستحق بهشت است. فرمود: هر کس در ماه رمضان روزه بگیرد و با خودش بگوید که هر چند سال که زنده باشم روزه می گیرم، اگر او بمیرد و ماه رمضان دیگری را درک نکند به بهشت می رود. یکی از شاهان عباسی فرد عیاشی بود و به او خبر دادند که ماه رمضان رسیده است. او ناراحت شد و گفت که اگر من زنده باشم ماه رمضان را برمی دارم. سال بعد قبل از ماه رمضان او از دنیا رفت.

۷. اثر هفتم این است که روزه ی انسانها، کفاره ی اشتباه حضرت آدم که از بهشت رانده شد می شود. ما کسانی داشته ایم که تمام عمرشان روزه بودند مگر روزهایی که روزه حرام بوده است یا کسانی که از خدا خواسته اند که با زبان روزه از دنیا بروند. نفیسه خاتون در مصر دفن است و فرد عجیبی بوده است. او نوه امام حسن مجتبی (ع) و عروس امام صادق (ع) بوده است. او در مصر حرم دارد. او چند هزار ختم قرآن کرده است. مدرس بوده است و در پشت پرده می نشست و بزرگان از محضر درس

او استفاده می کردند. ایشان وقتی از دنیا رفتند شوهرش می خواست او را در قبرستان بقیع دفن کند ولی مردم مصر اجازه نداند و گفتند که او مال ماست. شوهرش پیامبر را خواب دید که فرمود: بگذار او در مصر دفن بشود که باعث برکت این سرزمین است. خادم این خانم می گوید که وقتی ایشان می خواست جان بدهد رو به قبله شد و شروع به خواندن قرآن کرد. همانطور که قرآن می خواند به او حالت احتضار دست می داد. من برای او یک ظرف آب بردم. ایشان روزه بودند و آب نخوردند. ایشان با حالت روزه از دنیا رفت.

در جنگ موته برادر حضرت امیرالمومنین جعفر ضربت خورد. و دستهایش از بدن قطع شد و به جعفر طیار معروف بود. وقتی او به زمین افتاد فردی برایش آب برد. او روزه بود و گفت که اگر من افطار را درک کردم آنرا می خورم ولی از خدا خواسته ام که با زبان روزه از دنیا بروم.

فردی با همسرش که متدین بودند پیش پیامبر آمدند و گفتند که راهی به ما نشان بده که راحت بهشتی بشویم. پیامبر فرمود: روزه بگیر.

حتی مستحب است که بعد از عید فطر انسان شش روز روزه بگیرد. اگر کسی این شش روز را روزه بگیرد گویی کل سال را روزه بوده است. بزرگان اخلاق می گویند علت گرفتن این شش روزه این است که یعنی خدایا ما هنوز خسته نشده ایم.

امام سجاد (ع) وقتی هلال ماه رمضان می رسید لبخند می زد و وقتی هلال ماه شوال می رسید اشک می ریخت. ایشان وداع با رمضان داشت.

ماه رمضان ماه استثنائی است.

مثلاً در بین انبیاء، برترین انبیاء رسول خداست.

در بین اوصیاء برترین وصی حضرت علی (ع) است.

در بین خانم ها، حضرت زهرا سیده النساء العالمین است.

در ایام هفته جمعه برتر است.

در میان ذکر ها ذکر سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر برتر است.

برترین ماه، ماه رمضان است و برترین شب، شب قدر است.

در این ماه ختم یک آیه ثواب ختم کل قرآن را دارد، خواب هم عبادت است.

خدا می خواهد بگوید که وقتی اینها ثواب دارد ببینید که نماز چه ثوابی دارد.

کبری بیگی

ماه رمضان برادر زمان قاجار

که شب را به قمار صبح می کردند. می گفتند اگر به این سرگرمی مشغول نشوند، ناچارند بخوابند و روز دیگر خواب نمی روند و روزه برای آن ها مشکل خواهد شد. این دسته بیش تر اعیان زاده ها بودند؛ ولی روزه را در هر حال، می گرفتند. و اگر اشخاصی بودند که می خواستند طفره برونند، چون حتی در خانه ی خود هم جایی نداشتند که روزه خواری کنند، ناچار بودند هم رنگ جماعت باشند.

مرحوم احمد منشور می گفت: «با برادرم «موقر» شبی در مجلس قمار تا صبح مشغول بودیم، چون به سحری رسیدیم روزه را خورده بعد به منزل آمدیم، خبر روزه خواری ما زودتر از خودمان به منزل رسیده بود، همین که وارد شدیم مادر از ما رو گرفت. چند روز با مثل جذامی ها رفتار می کردند. قدغن شده بود؛ نوکر و خدمت کار دور و ور ما نمی آمدند. غذا که برای ما می آوردند، در اطاق گذاشته و فرار می کردند. ظرف های غذای ما را علی حده و مخصوصاً در حضور ما کنار حوض خاکمال می کردند. تا بالاخره به وساطت برادرهای بزرگتر ما را توبه رسمی دادند؛ آن وقت ما را به عضویت خانه پذیرفتند.

اگر کسی پیدا می شد که بخواهد خود را ناخوش قلمداد کرده و بدین وسیله روزه خواری کند، طیبی که تصدیق مرض بدهد، ولو شفاهی و برای متقاعد کردن اهل خانه هم باشد، گیر نمی آورد. اطبای آن دوره حتی یهودی های آن ها، ولو برای روزه خواری هم، احترام تصدیق خود را داشتند و مثل امروز برای خواهش دوست و رفیق و جلب ماده، تصدیق غیر واقع نمی کردند.

عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من، گزارش خواندنی ای از روزه داری در دوره ی قاجار نوشته است. خواندن و مقایسه ی آن با وضع دین داری در امروز جامعه ی ما می تواند جالب باشد:

از اوقاتی که ما خیلی مترصد رسیدن آن بودیم، ماه رمضان بود. زیرا در این ماه در وضع زندگی عمومی و خصوص تغییراتی حاصل می گشت و مقصود اصلی ما، که تخفیف از ساعات مکتب باشد بیشتر از ماه محرم و صفر بود. ... ماه رمضان ماه قرآن خوانی است، بعضی بودند که هر روز یک قرآن تمام می خواندند. این ها اکثراً اشخاصی بودند که قرآن استیجاری می خواندند و در مقابل هر قرآن تمام، دو قرآن گرفته و برای پدر و مادر موجر نیابتاً قرآن می خواندند. ... مسجدها عموماً پر می شد؛ مردم از هر طبقه و هر صنف نماز ظهر و عصر را به جماعت می خواندند. بعد از نماز، امام مسجد اگر اهل فضل بود، خود به منبر می رفت و مردم را موعظه می کرد. چنانچه به اصطلاح، دست منبر نداشت، واعظ دیگری از واعظ های شهر دعوت شده بود که بعد از نماز برای مردم موعظه کند. روزهای جمعه و اعیانها به مناسبت تعطیلی، مساجد پر جمعیت تر از سایر روزها می شد. ... شب های ماه رمضان را بخصوص در تابستان، مردم تا صبح بیدار می ماندند و این کار در تمام طبقات مرسوم بود. بعضی مشغول عبادت و خواندن دعا و قرآن می شدند و برای درک ثواب هر شب تا صبح بیدار می ماندند. ... دسته ی دیگری هم بودند



من کیستم؟ (مربوط به تفکر و انسان شناسی)

قرآن کوشاست که انسان «خود» را کشف کند. این «خود»، «خود» شناسنامه ای نیست که سمت چیست؟ اسم پدرت چیست و در چه سالی متولد شده ای؟ تابع چه کشوری هستی؟ از کدام آب و خاکی؟ آن «خود» همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می شود و با شناختن آن «خود»، است که انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می کند و خویشتن را از تن دادن به پستی ها برتر می شمارد، به قداست خویش پی می برد، مقدسات اخلاقی و اجتماعى برایش معنى و ارزش پیدا می کند.

از نظر قرآن، انسان یک کدخدای انتخاب شده زمین است و به حکم شایستگی و صلاحیت، نه صرفاً زور و چنگال تنازع، از طرف ذی صلاحیت ترین مقام هستی یعنی ذات خداوند، برگزیده و انتخاب و به تعبیر قرآن «اصطفا» شده است و به همین دلیل مانند هر برگزیده دیگر «رسالت» و «مسئولیت» دارد: رسالت از طرف خدا و مسئولیت در پیشگاه او.

اعتقاد به این که انسان موجودی انتخاب شده است و هدفی از انتخاب در کار است، نوعی آثار روانی و تربیتی در افراد به وجود می آورد.

خودشناسی به معنى این است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند خاکی محض نیست. پرتوی از روح الهی در او هست، بداند که در معرفت می تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد، بداند که او آزاد و مختار و مسئول خویشتن و مسئول افراد دیگر و مسئول آباد کردن جهان و بهتر کردن جهان است (او شما را از زمین بیافرید و عمران آن را از شما خواست). «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (سوره هود/ آیه ۶۱). بداند که او امانتدار الهی است، بداند که بر حسب تصادف، برتری نیافته است تا استبداد بورزد و همه چیز را برای شخص خود تصاحب کند و مسئولیت و تکلیفی برای خویشتن قائل نباشد.

خودشناسی برای خداشناسی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که



فرمودند: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خود را بشناسد همانا پروردگارش را شناخته است (جعفر بن محمد) (منسوب)، مصباح الشریعه، ۱۴۰۰، ص ۱۳؛ ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزه، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۰۲؛ فخررازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۱، ج ۹، ص ۴۶۰ و ج ۳۰، ص ۷۲۱).

معرفت نفس به چند شکل به معرفت خدا می انجامد:

انسان با شناخت خویش در درون خود گرایش هایی فطری می یابد؛ هر انسانی خواستار احاطه علمی به جهان است و گرایش او به شناخت هستی، بی نهایت است؛ یعنی انسان هر چه در دانش پیشرفت می کند، همچنان از افزایش سؤالات و دوام جهل خود ناراضی است و تا زمانی که به علم مطلق دست نیابد خود را ناقص می بیند و از نقص خود ناخرسند است و از این رو خواستار اتصال به سرچشمه علم مطلق می گردد. انسان می داند که شناخت ماسوی الله بدون شناخت علت العلل آنها شناختی ناقص است. بنابراین شرط شناخت جهان مخلوق را شناخت علت مخلوقات می بیند و میل او به احاطه علمی بر جهان، او را ملزم به شناخت خداوند می سازد. آگاهی از وجود گرایش فطری به علم و احاطه علمی در انسان، به هر روشی که حاصل شود (روش درون بینی و علم حضوری و یا روشهای مختلف علوم حصولی انسان شناسی) به ما می گوید که پاسخگویی به این گرایش فطری، مستلزم شناخت علت العلل هستی است.

انسان به تجربه یافته است که هر گرایش درونی که در او وجود دارد حاکی از وجود واقعیتی خارجی است که آن گرایش را ارضا می کند. میل به رفع تشنگی، با آب که واقعیت خارجی دارد ارضا می شود. میل به همسرگزینی با وجود جنس مخالف ارضا می شود و سایر امیال انسان نیز اینگونه اند. پس اگر انسان خواستار علم و قدرت مطلق است باید علم و قدرت مطلق وجود داشته باشد. پس مبدئی در هستی وجود دارد که از علم

و قدرت مطلق برخوردار است. این شکل شناخت وجود خداوند و صفات علم و قدرت او، اگر چه بر مقدماتی متکی است که از تجارب درونی انسان تشکیل شده است، ولی در نهایت علمی حصولی و مفهومی است. انسان با کاویدن خویش و رسیدن به خودشناسی حضوری، خود را موجودی وابسته و فقیر می یابد؛ موجودی که همه احوال او اعم از حیات، علم، قدرت، محبت و اراده و دیگر اوصاف و افعالش، وابسته به موجودی است که از لحاظ حیات، علم و قدرت نامتناهی است. این درک حضوری به فقر خود نسبت به خداوند، نتیجه شناخت نفس به صفت فقر و نیازمندی است که همزمان با شناخت نفس، در نفس انسان حاضر است و از هر گونه قیاس و استدلال مستغنی است.

خودشناسی، به خداشناسی می انجامد؛ در حالی که خداشناسی حاصل از خودشناسی، علم حضوری است که اولاً هیچ تردیدی در آن راه ندارد و ثانیاً در تحریک انسان برای حرکت به سوی خدا و تحصیل قرب او تواناتر است. بنابراین دعوت به خداشناسی برای خداشناسی، علاوه بر این که به سبب اهمیت موضوع خودشناسی است، به سبب روش خاص خودشناسی درون نگرانه است که حصول آن علم حضوری یقینی است.

از همین روست که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: الْمَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ؛ شناخت به وسیله نفس سودمندترین شناخت است (غرر الحکم : ۱۶۷۵).

و مفسرین گفته اند مقصود از معرفتین، معرفت به آیات انفسی و معرفت به آیات آفاقی است که در فرموده خداوند آمده است: سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ الْحَقَّ أَوْلَمُ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ بزودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جان شان به آنها می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او بر حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (سوره فصلت/ آیه ۵۳).

به کیل رای مرده‌یا به مالک؟

نمایش بصیرت

قدرتی داری که در کنار تو نبرد کنند، و نه هیبتی داری که از تو بترسند و بگریزند، نه مرزی را می‌توانی حفظ کنی، و نه شوکت دشمن را می‌توانی درهم بشکنی، نه نیازهای مردم دیارت را کفایت می‌کنی، و نه امام خود را راضی نگه می‌داری.

اما نظر امام علی(ع) در مورد مالک اشتر

«مالک! مالک چه بود! به خدا اگر کوه بود کوهی بود جدا از دیگر کوهها و اگر سنگ بود سنگی بود خارا که سم هیچ ستور به ستیغ آن نرسد و هیچ پرنده بر فراز آن نپرد، خدا رحمت کند مالک را، او برایم چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم. آدم خوب بودن دلیل بر نماینده، ریاست جمهوری و یا سیاستمدار خوب بودن نیست.

حکومت اسلامی، مالک اشتر می‌خواهد.

مالک اشتر سپر بلای علی(ع) بود.

به همین دلیل امام خامنه‌ای (مدظله العالی) فرمودند:

آدمهایی را انتخاب بکنند که وقتی رفت در آن مسند نشست - حالا آن مسند هرچه باشد؛ چه مسند عضویت در مجلس خبرگان باشد یا در مجلس شورای اسلامی باشد یا ریاست جمهوری باشد- خودش را سپر بلای مشکلات کشور قرار بدهد، فانی در خدمات و مصالح و منافع عمومی مردم باشد، کشور را به دشمن نفروشد، مصالح کشور را برای رودربایستی با این و آن زیر پا نگذارد؛ باید این را انتخاب کنند. این می‌شود یک انتخابات خوب (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران انتخابات، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰).

این نظر و معیار را با نامزدهای انتخاباتی پیش رو مقایسه کنید.

منابع

نهج البلاغه، ص ۴۰.

شهیدی، نهج البلاغه، ص ۴۴۰.

کلمات قصار، ش ۴۴۳. ابن ابی الحدید.

شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۹۸.

اگر دو نفر از اصحاب خاص امیرالمومنین برای انتخابات نامزد شوند، شما به کدام یک رأی می‌دهید؟

مالک اشتر نخعی یا کمیل؟ چرا؟

چرا به مالک اشتر رأی می‌دهیم؟

در واقع سؤال مهم‌تر این است که چرا به کمیل رأی نمی‌دهیم؟

دعای کمیل معروف را امام علی(ع) به همین جناب کمیل بن زیاد تعلیم داد.

هر دوی این شخصیتها، انسانهای خوبی هستند، اما مگر انسان خوب، الزاما سیاستمدار و مسئول خوبی هم هست؟

هر دوی اینها، در بسیاری از مراتب و مقامات شاید هم سطح باشند.

اما چرا به کمیل رأی نمی‌دهیم؟

مسأله اینجاست

تاریخ را بخوانید

در سال ۳۹ هـ. ق. کمیل بن زیاد از جانب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرمانداری شهر هیت منصوب شد. پس از مدتی خبر به وی رسید که یاران معاویه به فرماندهی «سفیان بن عوف» قصد یورش به هیت را دارند، به خیال اینکه آن‌ها در «قرقیسا» هستند، بدون اجازه امام علی (علیه السلام) ۵۰ نیروی مسلح را برای دفاع در شهر گذاشت و خود و یارانش به طرف آنجا حرکت کرد، تا در جنگ پیشدستی کرده باشد. سپاهیان معاویه از فرصت استفاده کرده به هیت حمله کردند و به غارت پرداختند. امام علی (ع) نامه‌ای به کمیل بن زیاد نوشت و او را سرزنش کرد.

ناراحتی و گلایه امام علی(ع) از کمیل

سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست، و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار، و اندیشه ویرانگر است. اقدام تو به تاراج مردم «قرقیسا» در مقابل رها کردن مرزهایی که تو را بر آن گمارده بودیم و کسی در آنجا نیست تا آنجا را حفظ کند، و سپاه دشمن را از آن مرزها دور سازد، اندیشه‌ای باطل است. تو در آنجا پلی شده‌ای که دشمنان تو از آن بگذرند و بر دوستانت هجوم آورند، نه

بصیرت

مقاله پیش رو در مورد بصیرت انتخابات است انتخاب فرایندی روانی است که شامل قضاوت درباره نقاط ضعف و قوت گزینه های مختلف و برگزیدن یکی یا چند مورد از آنها می شود.

انتخابات از اهم اموری است که مسئولیت آن با همه ماست.

در انتخابات سرنوشت ملت معین می شود و زمام امور به دست منتخبی قرار می گیرد که مؤثر در مقدرات کشور است.

اهمیت انتخابات برای امام خمینی رحمت الله علیه به قدری زیاد بود که ایشان در وصیت نامه خود به این امر مهم اشارات فراوانی کرده اند. بیانات زیر بخشی از وصیت نامه امام خمینی رحمت الله علیه پیرامون انتخابات است.

وصیت من به ملت شریف ایران آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخابات خبرگان در صحنه باشند. مسئولیت انتخابات به عهده ملت است ملت اگر کنار بنشینند و اشخاص متعهد و مؤمن وارد نشوند؛ کسانی که برای این مملکت از چپ و راست نقشه کشیده اند وارد مجلس می شوند و تمام این مسئولیت بر عهده ملت است.

رأی دادن وظیفه تک تک مردم ایران است ولی اگر به جای فرد اصلح به فردی که صالح است رأی بدهیم یعنی مثلاً می دانیم فلانی لایق تر و مناسب تر برای این مسئولیت است ولی صرفاً به دلیل شخصی مثلاً فامیل بودن یا خصومت شخصی به او رأی ندهیم به خود و جامعه خیانت کرده ایم.

در ادامه راه های شناخت فرد اصلح برای انتخابات را بیان کرده ایم.

- ۱- چگونگی شناخت فرد بهتر برای رأی دادن.
- ۲- مؤمن و بی طرف باشد.
- ۳- توانایی درک طبقه محروم را داشته باشد.
- ۴- دارای حسن سابقه باشد.
- ۵- نسبت به قوانین اسلام متعهد و خیرخواه امت باشد.
- ۶- سیاستمدار و مطلع به اوضاع جهان باشد.

۷- به چپ و راست گرایش نداشته باشد و به فرد یا گروهی وابسته نباشد.

در پایان سخنی گهربار از امام خمینی رحمت الله علیه خطاب به روحانیت در خصوص انتخابات که در کندر کتاب آیین دانشوری در سیره امام خمینی رحمه الله علیه آمده است بیان می شود.

به جامعه محترم روحانیت خصوصاً از مراجع معظم وصیت می کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس کنار نکشند و بی تفاوت نباشند.

همه دیدید و نسل آینده خواهد شنید که دست سیاست بازان پیرو غرب و شرق روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند.

و روحانیون نیز بازی سیاست بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگار شده اند و صحنه را با دست غریبزدگان سپردند.

و بر سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبران را احتیاج به زمان طولانی دارد.

امید است این مقاله سهمی هرچند اندک بر شور انتخابات بیفزاید و در انتخاب اصلح راهنمای عزیزان قرار گیرد.

منابع

سایت www.wikipedia.or

انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خمینی رحمت الله علیه، صفحه ۵۱ / صحیفه نور جلد ۱۸، صفحه ۱۳۶. صحیفه نور جلد ۱۱ صفحه ۵۸.

وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی رحمت الله علیه.

انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خمینی رحمت الله علیه صفحه ۲۳۲.

صحیفه امام خمینی رحمت الله علیه جلد ۲۱ صفحه ۲۰۴ ۱۲۰.

آیین دانشوری در سیره امام خمینی رحمه الله علیه صفحه ۷۵۳.

تولید، پشتیبانها و مانع زدائیرها

نقش دولت در تنظیم بازار

امیرمؤمنان علی(ع)، گرانفروش و فروشنده متخلف را از بازار بیرون می کرد و از کارگزاران دولتی نیز درخواست می کرد تا با احتکار و محتکر و گرانفروش برخورد کنند؛ لذا بخش نامه ای به تمامی کارگزاران خود نوشت. در گزارشی خطاب به مالک اشتر نیز فرمود: «از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می کرد. خرید و فروش باید به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد و با نرخ هایی که به فروشنده و خریدار زیانی نرساند.» آن حضرت در نامه ای خطاب به رُفَاعَةُ بن شَدَّاد بجلی والی اهواز نیز فرمود: «از احتکار جلوگیری و آن کسی را که احتکار کند، تأدیب کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار کرده، او را کیفر کن.»

منبع

قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶.
شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۷.
نهج البلاغه، نامه: ۵۳، ص ۴۳۸.



مسابقه کتابخوانی

شباهات پر تکرار انقلاب اسلامی

لطفا فقط اعداد گزینه صحیح را در قالب یک عدد ۱۵ رقمی از چپ به راست تا ساعت ۲۴ روز ۲۰ اردیبهشت به شماره ۰۹۱۷۵۷۳۰۵۵۲ با ذکر نام و نام خانوادگی ارسال کنید.

جایزه مسابقه سه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی

الف) عدم پیشرفت علمی و صنعتی کشور
 ب) شکاف و اختلاف عظیم طبقاتی بین اقشار بسیار غنی و مرفه جامعه و اکثریت مردم
 ج) صادرات زیاد نفت به خارج
 د) بی توجهی به دین و مذهب

۳- برای ترسیم وضعیت اقتصادی یک کشور، باید چه ملاک هایی را در نظر گرفت؟

الف) معیار قدرت خرید، معیار دستمزد، خط فقر
 ب) معیار قدرت خرید، صنعت، خط فقر
 ج) خط فقر، میزان صادرات و واردات
 د) خط فقر، دستمزد، رضایت مردم

۱- چرا سران رژیم پهلوی روی صنعت و کشاورزی سرمایه گذاری نکردند؟

الف) به دلیل صادرات بیش از ۵۵ میلیون بشکه نفت به خارج و درآمد هنگفت رژیم پهلوی از این طریق
 ب) به دلیل وابستگی زیاد به آمریکا و انگلیس و دستور آنها مبتنی بر واردات
 ج) به دلیل ناکارآمدی علمی و صنعتی کشور
 د) همه موارد

۲- در کتاب «فوق العاده» یکی از دلایل عمده نارضایتی مردم در زمان حکومت پهلوی چه چیزی ذکر شده است؟

۴- وعده آب و برق مجانی توسط چه کسی گفته شد ؟

(الف) توسط امام خمینی (ره)

(ب) توسط بنی صدر

(ج) توسط سخنگوی دولت بازرگان

(د) توسط آیت الله باهنر

۵- عبارت «خانه نخرید، همه را صاحب خانه میکنیم» در

اوایل انقلاب از چه کسی است؟

(الف) شهید مطهری

(ب) امام خمینی (ره)

(ج) آیت الله خسروشاهی

(د) بنی صدر

۶- چرا باوجود دستاوردها و تلاشهای غیرقابل انکار

کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، عده ای از مردم و

حتی نخبگان از وضعیت موجود اظهار نارضایتی میکنند؟

(الف) تغییر الگوی مصرف جامعه

(ب) ترویج فرهنگ نادرست

(ج) انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها

(د) همه موارد

۷- دلیل لغو کاپیتولاسیون ترکمانچای در زمان پهلوی

چه بود؟

(الف) فروپاشی رژیم پهلوی

(ب) فروپاشی رژیم تزار

(ج) تصمیم رضاشاه مبتنی بر پیشرفت کشور

(د) همه موارد

۸- دلیل احداث راه آهن توسط رضاشاه چه بود؟

(الف) ایجاد یک راه آهن مسافری برای ایرانیان

(ب) ایجاد یک خط آهن نظامی برای امپراتوری انگلیس

(ج) ایجاد یک راه آهن تجاری برای ایرانیان

(د) ایجاد یک خط آهن نظامی برای ایران

۹- هدف اصلی انقلاب چه بوده و آیا به آن هدف

رسیده ایم؟

(الف) پیاده کردن اسلام جامع_ خیلی با آن فاصله داریم

(ب) پیاده کردن اسلام جامع_ به آن رسیده ایم

(ج) پیشرفت علمی_ خیلی با آن فاصله داریم

(د) پیشرفت علمی_ به آن رسیده ایم

۱۰- چرا درحال حاضر نیروهای خوب و کاربلد و جوانان

مؤمن متعهد در خیلی جاها نمی توانند جایگاهی داشته

باشند و دلیل نفوذ در کشور چیست؟

(الف) به دلیل نفاق_ ضعف های مدیریتی در جاهای

حساس و مهم

(ب) به دلیل بی رغبتی جوانان_ اعتماد بیجا به

مسئولین

(ج) کمبود علم جوانان_ ضعف های مدیریتی

(د) هیچکدام

۱۱- اهداف رضاخان از تغییرات آموزشی با نام نظام

آموزشی نوین در مدارس و مکتب خانه ها چه بود؟

(الف) این تغییرات وسیله وی برای مذهب زدایی یا

دنیانگری بود

(ب) این تغییرات را برای ناسیونالیسم و توسعه آموزشی

و سرمایه داری دولتی به کاربرد

(ج) این تغییرات را برای پیشرفت آموزشی و اقتصادی

مردم انجام داد

(د) گزینه الف و ب

۱۲- کدام یک از دستاورد های انقلاب اسلامی نیست؟

(الف) مردمی بودن

(ب) مبارزه با استکبار و ظلم

(ج) ایجاد رابطه و توافق با غرب

(د) پیشرفت

۱۳- هدف اصلی از ایجاد نهاد جهاد سازندگی چه بود؟

(الف) تأمین درآمد کافی و و ایجاد اشتغال در روستاها

(ب) رفع محرومیت از روستاهای بدون امکانات

(ج) رشد و شکوفایی کشاورزی و خودکفایی

(د) همه موارد

۱۴- با توجه به درست یا نادرست بودن موارد، گزینه

صحیح را انتخاب کنید.

۱. داعش فقط برای نابودی ایران ساخته شده بود .

۲. مشارکت مردم ایران در انتخابات از متوسط مشارکت

مردمی بسیاری از دموکرات ترین کشورها کمتر است .

۳. سال ۱۳۵۴ هواپیمای ایران هما دومین خط برتر

هواپیمایی جهان و اولین در آسیا شد.

۴. برای حفظ جزایر سه گانه، بحرین را به اعتراف

خود شاه، تحت فرمان انگلیس جدا کرد.

(الف) ن، ن، د، د

(ب) ن، د، ن، د

(ج) د، ن، ن، د

(د) د، د، ن، ن

۱۵- ایران رتبه چندم تولید علم را در خاورمیانه و از

لحاظ تعداد کل تولیدات علمی در جایگاه چندم جهان

قرار گرفته است؟

(الف) سوم، هفدهم

(ب) دوم ، شانزدهم

(ج) چهارم، هفدهم

(د) اول، شانزدهم

تاق معصوميه

برگزاري و بينار علمي - پژوهشي براي طلاب
و اساتيد مدرسه با موضوع بازنگري فرصت
هاي طلايي كرونايي در زندگي طلبگي با
اجراي سركار خانم دكتور زهره معارف



تهيه بسته هاي معيشتي و لوازم التحرير و
توزيع بين نيازمندان مناطق محروم شيراز
توسط مدرسه معصوميه شيراز در راستاي
كمك هاي مومنانه



جلسه مدیر مدرسه معصومیه شیراز
سرکار خانم موسوی نژاد با حجت الاسلام
والمسلمین انجوی نژاد مسئول کانون
رهپویان وصال در راستای هم اندیشی
برای همکاری بیشتر دو نهاد و فعالیت
های مبلغان فعال مدرسه معصومیه شیراز
در کارهای جهادی کانون



تبلیغ چهره به چهره کارکنان و مبلغان
مدرسه معصومیه شیراز در سطح شهر
برای جذب طلاب جدیدالورود



برگزاری اردوی یک روزه فرهنگی- تربیتی با
حضور ۱۶۰ نفر از طلاب و اساتید و افتخار
میزبانی از کارکنان مرکز مدیریت استان
فارس بمناسبت میلاد با سعادت حضرت
زهرا سلام الله علیها در باغ عفیف آباد
شیراز

اوقات شرعی ماه مبارک رمضان به افق شیراز

روزهای هفته	رمضان	اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب	نیمه شب
چهارشنبه ۲۵ فروردین	۱	۵:۱۴	۶:۳۵	۱۳:۰۰	۱۹:۲۶	۱۹:۴۳	۰:۱۹
پنجشنبه ۲۶ فروردین	۲	۵:۱۲	۶:۳۴	۱۳:۰۰	۱۹:۲۷	۱۹:۴۴	۰:۱۹
جمعه ۲۷ فروردین	۳	۵:۱۱	۶:۳۲	۱۳:۰۰	۱۹:۲۷	۱۹:۴۵	۰:۱۹
شنبه ۲۸ فروردین	۴	۵:۱۰	۶:۳۱	۱۲:۵۹	۱۹:۲۸	۱۹:۴۵	۰:۱۸
یکشنبه ۲۹ فروردین	۵	۵:۰۸	۶:۳۰	۱۲:۵۹	۱۹:۲۹	۱۹:۴۶	۰:۱۸
دوشنبه ۳۰ فروردین	۶	۵:۰۷	۶:۲۹	۱۲:۵۹	۱۹:۲۹	۱۹:۴۷	۰:۱۸
سه شنبه ۳۱ فروردین	۷	۵:۰۶	۶:۲۸	۱۲:۵۹	۱۹:۳۰	۱۹:۴۷	۰:۱۷
چهارشنبه ۱ اردیبهشت	۸	۵:۰۵	۶:۲۷	۱۲:۵۹	۱۹:۳۰	۱۹:۴۸	۰:۱۷
پنجشنبه ۲ اردیبهشت	۹	۵:۰۴	۶:۲۶	۱۲:۵۸	۱۹:۳۱	۱۹:۴۹	۰:۱۷
جمعه ۳ اردیبهشت	۱۰	۵:۰۲	۶:۲۵	۱۲:۵۸	۱۹:۳۲	۱۹:۴۹	۰:۱۶
شنبه ۴ اردیبهشت	۱۱	۵:۰۱	۶:۲۴	۱۲:۵۸	۱۹:۳۲	۱۹:۵۰	۰:۱۶
یکشنبه ۵ اردیبهشت	۱۲	۵:۰۰	۶:۲۳	۱۲:۵۸	۱۹:۳۳	۱۹:۵۱	۰:۱۶
دوشنبه ۶ اردیبهشت	۱۳	۴:۵۹	۶:۲۲	۱۲:۵۸	۱۹:۳۴	۱۹:۵۱	۰:۱۶
سه شنبه ۷ اردیبهشت	۱۴	۴:۵۸	۶:۲۱	۱۲:۵۸	۱۹:۳	۱۹:۵۲	۰:۱۵
چهارشنبه ۸ اردیبهشت	۱۵	۴:۵۶	۶:۲۰	۱۲:۵۷	۱۹:۳۵	۱۹:۵۳	۰:۱۵
پنجشنبه ۹ اردیبهشت	۱۶	۴:۵۵	۶:۱۹	۱۲:۵۷	۱۹:۳۵	۱۹:۵۳	۰:۱۵
جمعه ۱۰ اردیبهشت	۱۷	۴:۵۴	۶:۱۹	۱۲:۵۷	۱۹:۳۶	۱۹:۵۴	۰:۱۴
شنبه ۱۱ اردیبهشت	۱۸	۴:۵۳	۶:۱۸	۱۲:۵۷	۱۹:۳۷	۱۹:۵۵	۰:۱۴
یکشنبه ۱۲ اردیبهشت	۱۹	۴:۵۲	۶:۱۷	۱۲:۵۷	۱۹:۳۷	۱۹:۵۵	۰:۱۴
دوشنبه ۱۳ اردیبهشت	۲۰	۴:۵۱	۶:۱۶	۱۲:۵۷	۱۹:۳۸	۱۹:۵۶	۰:۱۴
سه شنبه ۱۴ اردیبهشت	۲۱	۴:۵۰	۶:۱۵	۱۲:۵۷	۱۹:۳۹	۱۹:۵۷	۰:۱۴
چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت	۲۲	۴:۴۹	۶:۱۴	۱۲:۵۷	۱۹:۳۹	۱۹:۵۷	۰:۱۳
پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت	۲۳	۴:۴۸	۶:۱۴	۱۲:۵۶	۱۹:۴۰	۱۹:۵۸	۰:۱۳
جمعه ۱۷ اردیبهشت	۲۴	۴:۴۶	۶:۱۳	۱۲:۵۶	۱۹:۴۰	۱۹:۵۹	۰:۱۳
شنبه ۱۸ اردیبهشت	۲۵	۴:۴۵	۶:۱۲	۱۲:۵۶	۱۹:۴۱	۱۹:۵۹	۰:۱۳
یکشنبه ۱۹ اردیبهشت	۲۶	۴:۴۴	۶:۱۱	۱۲:۵۶	۱۹:۴۲	۲۰:۰۰	۰:۱۳
دوشنبه ۲۰ اردیبهشت	۲۷	۴:۴۴	۶:۱۱	۱۲:۵۶	۱۹:۴۲	۲۰:۰۱	۰:۱۲
سه شنبه ۲۱ اردیبهشت	۲۸	۴:۴۳	۶:۱۰	۱۲:۵۶	۱۹:۴۳	۲۰:۰۱	۰:۱۲
چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت	۲۹	۴:۴۲	۶:۰۹	۱۲:۵۶	۱۹:۴۴	۲۰:۰۲	۰:۱۲

مستول: آیت الله دژکام



نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس
و امام جمعه شیراز



پیشرو در علم خوارزمیه

در مقطع سطح دو (کارشناسی)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

آدرس: ملاصدرا - خیابان خلیلی - کوچه ۴

شماره تلفن: ۰۷۱۳۶۲۶۹۸۹۴-۹۶

شماره موبایل: ۰۹۱۷۰۰۳۶۰۱۲-۱۳ | ۰۹۱۷۰۰۳۶۰۲۴-۲۵

همواره در این مکان مشاوره خانواده داده می شود.

نشریه فرهنگی - تربیتی مدرسه علمیه معصومیه شیراز
شفیعه / شماره ۵ / بهار ۱۴۰۰

